



Crime Prevention in Light of the Social Regeneration Approach: From Theoretical Study to the Review of Laws and Regulations in Iran

Sasan Malekmotiee¹, Maryam Abachi², Seyed Ali Jabar Golbaghi Masouleh³

1. Department of Law, La.c, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. Email: sa.malekmotiee@iau.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Law, BaA.c, Islamic Azad University, Bandar Anzali, Iran. Email: ma.abachi@iau.ac.ir

3. Department of Law, La.c, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. Email: saj.golbaghi@iau.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Available online

Keywords:

Crime prevention, Social regeneration, Physical and non-physical approaches, Situational and social prevention, Iranian Laws and regulations.

ABSTRACT

Crime is the product of a complex interplay among space, social structures, economic inequalities, weakened neighborhood ties, declining quality of life, and institutional deficiencies. In social regeneration, these criminogenic conditions can be contained through physical and non-physical approaches, which are manifested in situational and social crime prevention. The present article examines "social regeneration" with the aim of conceptualizing it as an independent, coherent, and defensible approach within the field of crime prevention. The findings demonstrate that social regeneration acquires the necessary analytical and practical capacity for crime prevention through its connection with theories such as broken windows. This approach comprises such components as the realization of social and spatial justice, victim-centeredness, proactive and active interventions, and participatory governance. It is realized through two physical and non-physical approaches, which can be identified in certain laws and regulations. It is concluded that social regeneration may be understood as a multidimensional and proactive, or pre-emptive, approach to crime prevention that opens a new horizon for criminal policy through the simultaneous reconstruction of space, social relations, legitimate opportunities, and the quality of urban life.

Cite this article: با توجه به شیوه‌نامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام)، (سال نشر)، عنوان مقاله، نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله، شناسه دیجیتال دی‌اوی. (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله، شناسه دیجیتال دی‌اوی.



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

پیشگیری از جرم در پرتو رهیافت بازآفرینی اجتماعی: از مطالعه‌ی نظری تا بررسی قوانین و مقررات در ایران

ساسان ملک‌مطیعی^۱ | مریم عباچی^۲ | سیدعلی جبار گلباغی ماسوله^۳

۱. گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. sa.malekmoatie@iau.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه حقوق، واحد بین‌المللی بندر انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر انزلی، ایران. (نویسنده مسئول). ma.abachi@iau.ac.ir

۳. گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. saj.golbaghi@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	جرم محصول برهم‌کنش پیچیده‌ی فضا، ساختارهای اجتماعی، نابرابری‌های اقتصادی، ضعف
تاریخ دریافت:	بیوندهای محله‌ای، کاهش کیفیت زندگی و کاستی‌های نهادی است که در پرتو بازآفرینی اجتماعی
تاریخ بازنگری:	با رویکردهای کالبدی و غیر کالبدی که به ترتیب در پیشگیری‌های وضعی و اجتماعی متبلور
تاریخ پذیرش:	می‌شوند. مهار می‌شود. مقاله‌ی حاضر با هدف صورت‌بندی «بازآفرینی اجتماعی» به‌منابه‌ی
تاریخ انتشار:	رهیافتی مستقل، منسجم و قابل دفاع در قلمرو «پیشگیری از جرم» با روش پژوهش توصیفی و
کلیدواژه‌ها:	تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بازآفرینی اجتماعی از
پیشگیری از جرم،	رهگذر بیوند با نظریه‌هایی چون پنجره‌های شکسته، فضاهای قابل دفاع، تولید فضا، پایداری
بازآفرینی اجتماعی،	اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری، ظرفیت تحلیلی و عملی لازم برای پیشگیری از جرم را
رویکردهای کالبدی و	به‌دست می‌آورد. این رهیافت دارای مؤلفه‌هایی چون تحقق عدالت اجتماعی و فضایی،
غیر کالبدی، پیشگیری	بزه‌دیده‌مداری، مداخلات پیشینی و کنشی و حکمرانی مشارکتی است و در دو رویکرد کالبدی و
وضعی و اجتماعی،	غیر کالبدی تحقق می‌یابد که در برخی از قوانین و مقررات قابل بازشناسی است. در نتیجه،
قوانین و مقررات ایران	بازآفرینی اجتماعی را می‌توان رهیافتی چندبعدی، کنشی یا پیشینی در پیشگیری از جرم دانست
	که با بازسازی هم‌زمان فضا، روابط اجتماعی، فرصت‌های مشروع و کیفیت زیست شهری، افق
	تازه‌ای برای سیاست جنایی فراهم می‌سازد.

استناد: با توجه به شیوه‌نامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام)، (سال نشر)، عنوان مقاله، نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله، شناسه دیجیتالی دی‌اوی.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

جرم در جهان معاصر دیگر صرفاً در چهارچوب نقض قانون توسط یک فرد یا به‌مثابه‌ی واکنشی جدا افتاده از بستر اجتماعی و فضایی تحلیل نمی‌شود؛ بلکه این پدیده در متن شرایطی شکل می‌گیرد که در آن، فقر، نابرابری، فرسودگی محله‌ای، ضعف پیوندهای اجتماعی، بی‌سامانی فضایی، کاهش کیفیت زندگی، افول هویت محلی و کاستی‌های نهادی به‌طور هم‌زمان در تولید ناامنی نقش ایفا می‌کنند (مقیم‌ی و رفعتی اصل، ۱۳۸۹، صص. ۷۷-۷۸). با این وجود، بخش مهمی از سیاست جنایی مسلط همچنان بر پاسخ‌گیری، مداخله‌ی انتظامی و کنترل رسمی رفتارهای مجرمانه متمرکز مانده و کمتر به این واقعیت توجه کرده است که بسیاری از الگوهای بزهکاری در محیط‌های اجتماعی و شهری مسئله‌دار بازتولید می‌شوند. بدین سان، نیاز به رهیافتی که بتواند جرم را نه فقط در نسبت با بزهکار، بلکه در پیوند با فضای زیست، ساختارهای اجتماعی، فرصت‌های اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، کیفیت خدمات عمومی و شیوه‌های حکمرانی شهری توضیح دهد، ضروری است. در چنین اقلی، رهیافت «بازآفرینی اجتماعی» به عنوان یکی از موضوعات مهم در قلمرو «شهرسازی» به‌مثابه‌ی رهیافتی نو در «پیشگیری از جرم» که در حوزه‌ی «جرم‌شناسی» مطالعه می‌شود، متبلور می‌شود.

بازآفرینی اجتماعی رهیافتی که می‌کوشد از طریق بازسازی هم‌زمان بسترهای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، زمینه‌های مولد جرم و ناامنی را تضعیف و ظرفیت‌های محافظت‌کننده و پیشگیرانه‌ی محله و شهر را تقویت کند؛ به‌عبارت دیگر، بازآفرینی اجتماعی فرایندی است که به تقویت و احیای روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌پردازد و هدف آن بهبود کیفیت زندگی، افزایش فرصت‌های شغلی، ارتقای سطح آموزش و ایجاد فضایی برای همبستگی و مشارکت اجتماعی است. از این رو، برنامه‌های بازآفرینی اجتماعی با فراهم کردن فرصت‌های برابر و تقویت ساختارهای اجتماعی، موجب کاهش نابرابری و ارتقای حس همبستگی می‌شود که به‌نوبه‌ی خود در کاهش میزان جرایم در جامعه مؤثر است. بازآفرینی اجتماعی به‌عنوان رویکردی در تغییر سیاست‌های توسعه‌ی کالبدی مطرح شده است که هدف اصلی آن مداخله‌ای همراه با مشارکت مردمی و تقویت پیوند میان مهندسان شهری و ساکنان محلی است (آریانا و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۱۲۳-۱۴۳). این مفهوم پیوندی استوار با پایداری اجتماعی دارد، که بر تساوی حقوق، دموکراسی، رعایت حقوق بشر، توزیع عادلانه‌ی درآمد، اشتغال و یکنواختی اجتماعی، دسترسی برابر به منابع و خدمات، فراهم کردن فرصت‌های شغلی با دستمزد مناسب، تشویق به کار داوطلبانه و تأمین نیازهای اساسی تأکید دارد. پایداری اجتماعی همچنین بر عدالت اجتماعی همبستگی و مشارکت جمعی، امنیت و پاسخگویی به نیازهای نسل‌های آتی تأکید دارد و مفاهیمی نظیر سرمایه‌ی اجتماعی، توانمندسازی و برابری اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در آن دارند. افزون بر این، حفظ فرهنگ و تنوع جامعه، رفع نیازهای معیشتی، پاسداری از ارزش‌ها و ایجاد زمینه‌های تعامل و مشارکت فعال، از دیگر جنبه‌های کلیدی پایداری اجتماعی محسوب می‌شوند. کیفیت زندگی، تعامل اجتماعی، حس غرور و تعلق به مکان، هویت و توجه به فرهنگ نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق و تقویت این پایداری ایفا می‌کنند (سجادی و همکاران، ۱۴۰۰، صص. ۱۴۷-۱۷۹).

از سوی دیگر برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهند که بزهکاری در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در متن فضاهای رهاشده، محلات فرسوده، نابرابری‌های شهری، ضعف پیوندهای همسایگی، کاهش نظارت اجتماعی، فقدان سرمایه‌ی اجتماعی و بی‌ثباتی نهادی شکل می‌گیرد (نیازپور، ۱۴۰۴، صص. ۷۵-۸۴). از همین منظر، بازآفرینی اجتماعی می‌کوشد تا به‌جای فروکاستن مسئله‌ی جرم به شخصیت بزهکار یا شدت مجازات، به اصلاح زمینه‌هایی بپردازد که فرصت، انگیزه و امکان تکرار جرم را افزایش می‌دهند. این رهیافت از حیث جرم‌شناختی در حوزه پیشگیری از جرم مورد بررسی است که در برگزیده مجموعه اقدام‌های سیاست‌جنایی به استثنای اقدام‌های کیفی است که غایت و هدف اصلی یا جزئی آن محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از جرائم می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۵۰۴). به عبارت دیگر رهیافت بازآفرینی اجتماعی در قالب پیشگیری کنشی از جرم، و از رهگذر پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی متبلور می‌شود. در این راستا، پیشگیری کنشی هر اقدام غیرکیفری ناظر به مرحله‌ی قبل از ارتکاب جرم است که در بعد وضعی هدف آن جلوگیری از به‌فعل درآوردن اندیشه‌ی مجرمانه یا تغییردادن اوضاع و احوال خاصی است که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد، و در بعد اجتماعی هدف آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازمان‌دادن فعالیت خود حول انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند (گسن، ۱۳۷۶، صص. ۶۱۰-۶۱۱، نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، صص. ۱۱-۱۲). همچنین در این رهیافت پیشگیری از جرم در بعد وضعی از طریق طراحی محیطی (در پیوند با بازآفرینی اجتماعی در سطح کالبدی) مورد ملاحظه است. پیشگیری از طریق طراحی محیطی ناظر است به طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس از ناامنی شود (قورچی بیگی و محمودی جانکی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۸؛ رحمت، ۱۳۹۰، صص. ۱۷۹-۱۸۱، ۲۰۷-۲۱۰). همچنین در رهیافت بازآفرینی اجتماعی، پیشگیری اجتماعی از نوع جامعه‌مدار (در پیوند با بازآفرینی اجتماعی در سطح غیرکالبدی) مورد توجه است که با به‌کارگیری اقدام‌های غیرفهرآمیز اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در محیط‌های مختلف درصدد از بین‌بردن عوامل محیطی جرم‌زا یا دست‌کم کاهش تأثیر آن‌ها بر افراد است (عباچی، ۱۳۸۷، ص. ۳۹؛ نیازپور، ۱۳۹۳، ص. ۹۴) از این رو، رهیافت بازآفرینی اجتماعی در پیوند با پیشگیری از جرم در بعد جامعه‌مدار به کاهش نابرابری، طرد و گسست اجتماعی نظر دارد و در بعد طراحی محیطی به سامان‌دهی فضا، افزایش نظارت طبیعی، ارتقای خوانایی محیط و تقویت احساس تعلق محله‌ای معطوف است (ابراهیمی، ۱۴۰۳، صص. ۸۸-۹۵، ۶۱-۶۵). در این چارچوب، محله‌ای که از خدمات عمومی مناسب، فضاهای زنده، کاربری‌های متنوع، مشارکت مردمی و روابط همسسته برخوردار باشد، کمتر در معرض تبدیل شدن به کانون تولید جرم قرار می‌گیرد. همچنین، بازآفرینی اجتماعی در پیوند با پیشگیری از جرم با تکیه بر ظرفیت‌های جامعه‌ی محلی، نوعی کنترل اجتماعی غیررسمی و پایدار ایجاد می‌کند که در بسیاری از موارد از مداخله‌ی انتظامی صرف مؤثرتر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۳، صص. ۵۷۰-۵۸۴). بر این اساس، جرم‌شناسی ناظر بر بازآفرینی اجتماعی معتقد است که پیشگیری مؤثر زمانی تحقق می‌یابد که ساختارهای زندگی جمعی به‌گونه‌ای بازآرایی شوند که فرصت‌های جرم‌زا محدود و عوامل محافظت‌کننده تقویت شوند.

از سوی دیگر مرور نظریه‌هایی که به تبیین نسبت میان پیشگیری از جرم و بازآفرینی اجتماعی می‌پردازند و مبانی مفهومی پیوند این دو حوزه را فراهم می‌آورند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نظریه‌ها عمدتاً شامل نظریه‌های پنجره‌های شکسته، فضا‌های قابل دفاع، تولید فضا، پایداری اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری هستند. نظریه‌ی پنجره‌های شکسته بر آن است که نشانه‌های بی‌نظمی محیطی و رهاشدگی فضایی، با القای تضعیف‌هنجارهای اجتماعی، می‌توانند به تشدید بی‌نظمی، افزایش بزهکاری و کاهش احساس امنیت منجر شوند (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲، صص. ۱۷۹-۱۸۰؛ دی‌اورگسنا و پرگ، ۱۴۰۰، ص. ۲۵؛ شمعی و واحدی‌نژاد، ۱۳۹۷، صص. ۱۹۱-۱۹۴؛ انصاری و پورجوادی، ۱۴۰۰، صص. ۱۶-۱۹؛ خلیلی عراقی، ۱۳۶۷، صص. ۴۰-۴۲). نظریه‌ی فضا‌های قابل دفاع نیز دلالت بر آن دارد که سازمان کالبدی و طراحی فضایی محیط، از رهگذر تقویت نظارت طبیعی، افزایش حس تعلق و جلب مشارکت ساکنان، می‌تواند در کاهش فرصت‌های جرم و تقویت کنترل اجتماعی غیررسمی مؤثر واقع شود (نیومن، ۱۹۷۲، صص. ۱-۹؛ ۱۹۹۶، صص. ۹-۱۷؛ لطفی و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۳۹-۴۱). در همین راستا، نظریه‌ی تولید فضا، فضا را نه امری خنثی، بلکه برساخته‌ای اجتماعی و متأثر از مناسبات قدرت تلقی می‌کند؛ بدین سان، چگونگی سازمان‌دهی فضایی شهر می‌تواند یا به تقویت رؤیت‌پذیری، تعلق مکانی و کنترل اجتماعی بینجامد، یا با تشدید طرد فضایی، تمرکز محرومیت و تضعیف نظارت همگانی، بسترهای مساعد برای وقوع جرم را بازتولید کند (لوفور، ۱۹۹۱، صص. ۱۱-۱۷، ۳۸-۴۲؛ فنی و محمودی، ۱۳۹۷، صص. ۳۶-۴۲). افزون بر این، نظریه‌ی پایداری اجتماعی با تأکید بر کیفیت زندگی، برابری فرصت‌ها، امنیت اجتماعی، مشارکت مدنی، همبستگی اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی و تعلق مکانی، نشان می‌دهد که بازآفرینی اجتماعی نباید به مداخلات صرفاً کالبدی تقلیل یابد، بلکه باید معطوف به بازسازی روابط اجتماعی و ارتقای ظرفیت‌های انسانی نیز باشد (نسترن و همکاران، ۱۳۹۲، صص. ۱۶۰-۱۶۱؛ راغبیان‌هنزایی و همکاران، ۱۴۰۲، صص. ۱۱۶-۱۱۹؛ غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶، صص. ۳۲-۳۳). سرانجام، نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار شهری با تأکید بر پیوند متوازن ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی و نیز ضرورت کاهش نابرابری‌های فضایی، ارتقای کیفیت زیست شهری، تقویت مشارکت، دسترسی عادلانه به خدمات و انسجام اجتماعی، بر این نکته صحنه می‌گذارد که بازآفرینی شهری، علاوه بر کارکرد توسعه‌ای، واجد ظرفیت پیشگیرانه نیز هست و می‌تواند از طریق کاهش موقعیت‌های جرم‌زا و خنثی کردن عوامل جرم و تقویت عوامل محافظت‌کننده، در ارتقای امنیت شهری نقش‌آفرین باشد (قرخلو و حسینی، ۱۳۸۵، صص. ۱۵۷-۱۶۰؛ صفایی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، صص. ۱۴۳-۱۴۶؛ کریمی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۹۱-۹۳؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۳، صص. ۹۸-۱۰۳).

نوشتار حاضر با موضوعی نو و میان‌رشته‌ای با روش توصیفی - تحلیلی و به‌شیوه‌ی امتزاجی در حوزه‌ی شهرسازی و جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. پرسش‌های اصلی این مقاله عبارتند از این که چگونه می‌توان بازآفرینی اجتماعی را به‌مثابه‌ی یک رهیافت مستقل در پیشگیری از جرم صورت‌بندی کرد؟ و چنین رهیافتی از چه پشتوانه‌های نظری، اجرایی و حقوقی‌ای برخوردار است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، مقاله‌ی حاضر با تبیین نظری موضوع از طریق بررسی مؤلفه‌ها و رویکردهای بازآفرینی اجتماعی در دو سطح کالبدی و غیرکالبدی و در پیوند با پیشگیری کنشی از جرم در دو بعد وضعی و

اجتماعی، و نیز بررسی قوانین و مقررات ایران در این زمینه تلاش دارد تا میان مطالعات جرم‌شناختی و برنامه‌ریزی شهری، با تأکید بر بازآفرینی اجتماعی، پلی برقرار کند و از خلال این پیوند، رهیافتی نوین برای فهم و مهار جرم در بستر زندگی جمعی ارائه دهد.

۱. رهیافت بازآفرینی اجتماعی در پیوند با پیشگیری از جرم در پرتو مطالعه نظری

جرم و ناامنی صرفاً به کنش فردی تقلیل نمی‌یابد، بلکه در پیوند با ساختارهای فضایی، نابرابری‌های اجتماعی و کیفیت حکمرانی محلی فهم می‌شود. در چنین چارچوبی، بازآفرینی اجتماعی به‌مثابه رهیافتی جامع برای بازسازی هم‌زمان کالبد شهری، روابط اجتماعی و ظرفیت‌های تنظیم‌گر محله، با پیشگیری وضعی و اجتماعی از جرم تلاقی می‌یابد و امکان تبیین امنیت پایدار شهری را فراهم می‌سازد. در ادامه با تبیین مؤلفه‌ها و رویکردهای بازآفرینی اجتماعی، به پیوند آنها با مؤلفه‌ها و رویکردهای پیشگیری از جرم می‌پردازیم.

۱-۱. مؤلفه‌های بازآفرینی اجتماعی و کارکردهای پیشگیرانه‌ی آن

بازآفرینی اجتماعی در پی تبدیل فضاهای مسئله‌خیز و روابط گسیخته به محیط‌هایی ایمن‌تر، عادلانه‌تر، مشارکتی‌تر و برخوردار از ظرفیت خودتنظیم‌کننده‌ی اجتماعی است. در نتیجه، بازآفرینی اجتماعی وقتی به‌مثابه‌ی رهیافت پیشگیری از جرم معنا می‌یابد که بتواند میان امنیت، عدالت، تعلق، مشارکت، کیفیت زندگی و بازاریابی فضاهای شهری پیوندی منسجم برقرار سازد. مؤلفه‌های اصلی این رهیافت به قرار زیر هستند:

- عدالت اجتماعی و فضایی در توزیع فرصت‌ها، خدمات و امکانات شهری: در منطق بازآفرینی اجتماعی، بسیاری از الگوهای جرم و بزه‌دیدگی، با تمرکز محرومیت، حاشیه‌نشینی، توسعه‌ی نامتوازن، فقدان دسترسی برابر به خدمات و تجربه‌ی مستمر بی‌عدالتی پیوند دارند. به همین دلیل، رهیافت پیشنهادی، پیشگیری از جرم را بدون کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی ناقص می‌داند. اگر بخشی از شهر از خدمات عمومی، آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل، زیرساخت، فضای عمومی ایمن و فرصت‌های مشروع زندگی محروم بماند، همان فضا به‌تدریج به کانون انباشت آسیب، ترس، بی‌اعتمادی و فرصت‌های جرم‌زا تبدیل خواهد شد. برعکس، توزیع عادلانه‌ی امکانات، تقویت دسترسی برابر و کاهش تمرکز محرومیت می‌تواند زمینه‌ی شکل‌گیری احساس انصاف، اعتماد به نظم عمومی و تعلق مدنی را فراهم سازد (لوفور، ۱۹۹۱، صص. ۹۱-۱۴۱، ۳۸۳، ۳۹۰؛ راغبیان هنزایی و همکاران، ۱۴۰۲، صص. ۱۱۶-۱۱۹؛ نسترن و همکاران، ۱۳۹۲، صص. ۱۶۰-۱۶۱؛ کریمی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۹۱-۹۳؛ قرخلو و حسینی، ۱۳۸۶، صص. ۱۵۷-۱۶۰).

• حمایت از امنیت زیسته‌ی شهروندان: بازآفرینی اجتماعی از این منظر، ایمنی فضاهای عمومی، دسترسی امن زنان، کودکان، سالمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر به محیط شهری، کاهش ترس از جرم، افزایش قابلیت حضور در شهر و ارتقای اعتماد به محیط، بخشی از برنامه‌ی پیشگیرانه به‌شمار می‌رود. در این چارچوب، موفقیت سیاست پیشگیرانه هم‌زمان با کاهش بزهکاری و کاهش احساس ناامنی، کاهش آسیب‌پذیری و توزیع عادلانه‌ی امنیت نیز سنجیده می‌شود. بدین ترتیب، عدالت، امنیت و حمایت از گروه‌های در معرض خطر، در این رهیافت سه ضلع مکمل یک منطق واحد هستند (انصاری و پورجوادی، ۱۴۰۰، صص. ۱۶-۱۹؛ خلیلی عراقی، ۱۳۶۷، صص. ۴۰-۴۲؛ راغبیان هنزایی و همکاران، ۱۴۰۲، صص. ۱۱۶-۱۱۹؛ نستر و همکاران، ۱۳۹۲، صص. ۱۵۶-۱۶۱؛ غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶، صص. ۳۲-۳۸).

• مداخلات پیشینی و چندسطحی: هسته‌ی اصلی در این رهیافت بهبود وضعیت نابسامان با مداخلات کنشی و در سطوح مختلف کالبدی و غیرکالبدی است. بر این اساس با مداخلات پیشینی محله‌ها باید از حالت بی‌نظمی، رهاشدگی، طرد و محرومیت خارج شده و به محیط‌هایی برخوردار از فرصت‌های برابر، تعامل اجتماعی، مشارکت فعال و نظارت همگانی بدل شوند (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲، صص. ۱۷۹-۱۸۰؛ دی‌اورگسنا و پرگ، ۱۴۰۰، صص. ۲۵؛ شمعی و واحدی‌نژاد، ۱۳۹۷، صص. ۱۹۱-۱۹۴؛ نیومن، ۱۹۷۲، صص. ۱-۹، ۵۱-۱۰۱؛ لوفور، ۱۹۹۱، صص. ۱۷-۱۱، ۴۲-۳۸، ۹۲-۱۱۰؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۳، صص. ۹۸-۱۰۹).

• حکمرانی مشارکتی و مدیریت یکپارچه‌ی محله و شهر: بازآفرینی اجتماعی بدون حضور فعال ساکنان، نهادهای محلی، مدیریت شهری، نهادهای حمایتی و سازوکارهای میان‌بخشی به نتیجه نمی‌رسد. این رهیافت بر این اندیشه استوار است که امنیت پایدار نه از بالا و به‌صورت صرفاً اداری تحمیل شده و نه صرفاً با مداخلات مقطعی انتظامی حاصل تحمیل می‌شود، بلکه محصول هماهنگی میان سیاست‌گذاری عمومی، مشارکت محلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است (نیومن، ۱۹۷۲، صص. ۸-۹، ۵۱-۷۷؛ راغبیان هنزایی و همکاران، ۱۴۰۲، صص. ۱۱۶-۱۱۹؛ غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶، صص. ۳۲-۳۸؛ کریمی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۹۱-۹۳؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۳، صص. ۹۸-۱۰۰).

بدین‌سان، رهیافت بازآفرینی اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از مؤلفه‌های به‌هم‌پیوسته دانست که هدف آن نه فقط کاهش وقوع جرم، بلکه بازسازی شرایط زیست شهری به‌گونه‌ای است که خود شهر و جامعه به‌تدریج به عاملی برای پیشگیری از جرم تبدیل شوند. این پیشگیری بر اساس مؤلفه‌ی عدالت اجتماعی و فضایی بازآفرینی اجتماعی، پیشگیری از نوع کلان است که ناظر بر سیاست‌هایی است که به صورت ساختار-فرایند در سطح وسیع و فراگیر درصدد حذف یا خنثی‌سازی عوامل فردی و عمومی جرم است. همچنین بر اساس مؤلفه‌ی امنیت زیسته در بازآفرینی اجتماعی، پیشگیری از جرم از نوع پیشگیری وضعی

خاص است که با هدف حذف یا خنثی سازی موقعیت های جرم زا برای گروه های خاص کاربرد دارد (عباچی، ۱۳۸۷، ص. ۴۳). افزون بر این، مداخلات پیشینی و چندسطحی در بازآفرینی اجتماعی با پیشگیری های چندسطحی و ترکیبی که برای مهار جرم پیشنهاد می شود همسو است. حکمرانی مشارکتی و مدیریت یکپارچه نیز در راستای مؤلفه های پیشگیری مشارکتی و نهادی بر این اندیشه استوار است که پیشگیری از جرم وظیفه ای انحصاری پلیس و نظام عدالت کیفری نیست، بلکه مستلزم همکاری دولت، مدیریت شهری، پلیس، نهادهای محلی، سازمان های مدنی و خود ساکنان است (شاو، ۲۰۱۰، صص. ۹-۲۳؛ ولش و فارینگتون، ۲۰۱۲، صص. ۳-۱۹؛ کراوورد و ایوانز، ۲۰۱۷، صص. ۷۹۷-۸۲۴).

جدول ۱. مؤلفه های بازآفرینی اجتماعی در پیوند با پیشگیری از جرم

مؤلفه های اصلی	شرح مؤلفه های بازآفرینی اجتماعی	کارکرد پیشگیری از جرم
تحقق عدالت اجتماعی و فضایی	توزیع عادلانه ی خدمات، امکانات، زیرساخت ها و فرصت های شهری و کاهش تمرکز محرومیت، حاشیه نشینی و طرد فضایی.	کاهش نابرابری های جرم زا، کاهش احساس بی عدالتی، تقویت اعتماد به نظم عمومی و محدودسازی کانون های آسیب در راستای پیشگیری کلان محور.
حمایت از امنیت زیسته	توجه به آسیب پذیری گروه های مختلف، به ویژه زنان، کودکان، سالمندان و ساکنان محلات کم برخوردار، و تلاش برای کاهش ترس از جرم و ناامنی روزمره.	افزایش امنیت عینی و ذهنی، و توزیع عادلانه ی امنیت در فضاهای شهری در راستای پیشگیری اختصاصی و کاهش موقعیت های جرم زا.
مداخلات پیشینی و چندسطحی	تأکید بر مداخلات پیشینی در سطوح کالبدی و غیرکالبدی و از طریق اصلاح بسترهای اجتماعی، فضایی و نهادی مولد جرم.	مهار ریشه های بزهکاری و خنثی سازی و کاهش فرصت های جرم در راستای پیشگیری چندسطحی از جرم در قالب وضعی و اجتماعی.
حکمرانی مشارکتی و مدیریت یکپارچه	مشارکت فعال ساکنان، نهادهای محلی، مدیریت شهری و نهادهای حمایتی در تصمیم گیری، اجرا و نظارت بر فرایند بازآفرینی.	ایجاد هماهنگی نهادی، تقویت مسئولیت پذیری جمعی، و شکل گیری امنیت پایدار مبتنی بر همکاری اجتماعی در راستای پیشگیری مشارکتی و نهادی از جرم.

۱-۲. رویکردهای بازآفرینی اجتماعی و کارکردهای پیشگیرانه ی آن

رهیافت بازآفرینی اجتماعی با اتخاذ رویکردی چندبعدی، تلاش می کند از یک سو با ساماندهی کالبد شهری و اصلاح هندسه فضا، فرصت های ارتکاب جرم را از میان ببرد که با رویکرد پیشگیری وضعی از جرم پیوند می خورد؛ و از سوی دیگر، با بازسازی ساختارهای غیرکالبدی اعم از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انگیزشی جرم را مهار نماید که به نوعی با رویکرد پیشگیری

اجتماعی تلافی می یابد. بر این اساس، کارکردهای پیشگیرانه این رهیافت در قالب دو محور متناظر بازآفرینی کالبدی - پیشگیری طراحی محیطی، و نیز باز آفرینی غیرکالبدی - پیشگیری جامعه‌مدار، قابل بررسی است که در ادامه به تبیین هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱-۲-۱. رویکرد کالبدی بازآفرینی اجتماعی به‌مثابه‌ی پیشگیری با رویکرد طراحی محیطی

رویکرد کالبدی در رهیافت بازآفرینی اجتماعی بر این مبنا استوار است که محیط مصنوع محلّه، صرفاً پس‌زمینه‌ی زندگی اجتماعی نیست، و خود در شکل‌گیری احساس امنیت، تقویت هویت جمعی و کاهش یا افزایش فرصت‌های جرم ایفای نقش می‌کند. در این تلقی، بازآفرینی کالبدی وقتی واجد کارکرد پیشگیرانه است که بتواند عناصر مصنوع محلّه را به گونه‌ای بازتنظیم کند که از سویی هویت فضایی و انسجام بصری تقویت شود، و از سوی دیگر زمینه‌های بروز بی‌نظمی، ناامنی و فضاهای بی‌دفاع کاهش پیدا کند. بازآفرینی اجتماعی با تأکید بر عناصر مصنوع کالبدی محلّه، بازسازی را فرایندی می‌داند که به ایجاد «هویت محلّه‌ی قوی و پایدار» منتهی می‌شود و همین هویت، در پرتو طراحی مناسب، نظارت اجتماعی را افزایش می‌دهد و فرصت‌های ارتکاب جرم را محدود می‌سازد. رویکرد کالبدی بر نقش منظر شهری، ریخت‌شناسی محلّه و ساختار فیزیکی در ایجاد حس مکان و تمایز هویتی تأکید می‌کند؛ زیرا منظر منسجم، جداره‌های هماهنگ، خط آسمان قابل تشخیص، مصالح متناسب و ساختار فضایی خوانا، احساس تعلق و شناخت محیط را در ساکنان تقویت می‌کند و این امر خود به مداخله‌ی بیشتر شهروندان در برابر موقعیت‌های مشکوک می‌انجامد. برعکس، ناهماهنگی در نماها، آشفتگی بصری، فقدان انسجام کالبدی و زوال جذابیت مکانی، کیفیت ادراکی محلّه را کاهش می‌دهد و به فرسایش حس مسئولیت‌پذیری و تضعیف نظارت غیر رسمی نیز می‌انجامد (حبیب، ۱۳۸۵، صص. ۶-۱۳؛ فلاحت، ۱۳۸۵، صص. ۵۸-۶۳؛ کربلایی نوری، ۱۳۸۵، ص. ۳۷۳؛ حبیبی، ۱۳۸۷، ص. ۴۴). از این منظر، رویکرد کالبدی بازآفرینی اجتماعی، با بازسازی هویت بصری و فضایی محلّه، در واقع نخستین لایه‌ی پیشگیری از جرم را در سطح ادراک، تعلق و مراقبت جمعی بنیان می‌نهد.

یکی از مؤلفه‌های محوری این رویکرد، سازمان‌دهی دسترسی، معابر و شبکه‌ی حرکت در محلّه است؛ زیرا نحوه‌ی دسترسی به خدمات، طراحی خیابان‌ها، کیفیت پیاده‌روها و جانمایی فضاهای عمومی مستقیماً بر میزان حضور مردم، نظارت طبیعی و امنیت روزمره اثر می‌گذارد. دسترسی به خدمات در رهیافت بازآفرینی اجتماعی هم معیاری رفاهی و هم یکی از عناصر سازنده‌ی هویت محلّه است؛ عنصری که از طریق جذب فعالیت‌های اجتماعی، افزایش حضور مردم در فضاهای عمومی و تقویت تعاملات اجتماعی به ارتقای امنیت می‌انجامد (لینچ، ۱۴۰۰، ص. ۵۲؛ کریمی آذر و شاه‌زیدی، ۱۴۰۱، صص. ۱۰۹-۱۱۶). بر همین مبنا، خیابان‌ها و پیاده‌روها باید به گونه‌ای طراحی شوند که هم نیازهای حرکتی را پاسخ دهند و هم امکان نظارت و تعامل را افزایش بخشند. خیابان‌های عریض اما کنترل‌شده، روشنایی مناسب، پرهیز از پوشش گیاهی کورکننده‌ی دید، فاصله‌گذاری سنجیده میان بزرگراه‌ها و نواحی مسکونی، و نیز اولویت‌دادن به پیاده‌روها و دوچرخه‌سواران، جملگی از جمله تمهیداتی هستند

که فضای محله را از یک گذرگاه صرف به عرصه‌ای اجتماعی و قابل نظارت تبدیل می‌کنند (پامیر، ۱۳۹۸، صص. ۱۸، ۲۲؛ انصاری و پورجوادی، ۱۴۰۰، صص. ۵۵-۵۹). به همین ترتیب، فضاهای سبز و پارک‌ها نیز در این رویکرد صرفاً عناصر تزئینی یا زیست‌محیطی نیستند، بلکه مکان‌های استقرار ثانویه‌ای به‌شمار می‌روند که با فراهم‌آوردن امکانات نشستن، توقف، مکث و تعامل، حضور مستمر شهروندان را تشویق می‌کنند، و از این رهگذر، سطح نظارت طبیعی را افزایش می‌دهند (وایت، ۱۳۹۲، ص. ۴۸؛ گل، ۱۳۹۷، ص. ۳۹؛ کتاب الهی و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۵۰-۵۱). بنابراین، در منطق بازآفرینی اجتماعی، معبر، پیاده‌رو، پارک و فضای باز همگی اجزای یک شبکه‌ی پیشگیرانه هستند که از طریق افزایش سرزندگی و کاهش خلأ فضایی، فرصت جرم را محدود می‌سازند.

لایه‌ی عمیق‌تر رویکرد کالبدی، به اصول کلاسیک پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بازمی‌گردد؛ اصولی که به‌طور روشن به‌عنوان ستون‌های اصلی سامان‌دهی محیط مصنوع معرفی شده‌اند. در این میان، قلمروگرایی، نظارت، کنترل دسترسی، دشوارسازی دستیابی به اهداف مجرمانه، مدیریت و نگهداری، و حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، مهم‌ترین مؤلفه‌های مستقیم این رویکرد هستند (جفری، ۱۹۷۷، ص. ۲۹۰؛ سیدزاده ثانی و جلالی، ۱۳۹۴، صص. ۳۱-۳۴). قلمروگرایی با تعریف مرزهای روشن میان فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی، احساس مالکیت و مسئولیت را در ساکنان برمی‌انگیزد و از رهگذر تمایز میان «خودی» و «غریبه» نظارت و مراقبت از فضا را افزایش می‌دهد (بحرینی و تاج‌بخش، ۱۳۷۸، صص. ۱۹-۲۲؛ قورچی‌بیگی، ۱۳۸۶، صص. ۱۴۸-۱۵۱؛ جیسون و ویلسون، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۷-۱۲۸؛ عینی‌فر و آقالطیفی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸-۲۰). نظارت نیز، چه در قالب نظارت طبیعی از طریق پنجره‌ها، شفافیت بصری و حضور همسایگان، چه در قالب نظارت رسمی و سازمان‌یافته از سوی پلیس و نهادهای نظامی، و چه از طریق دوربین‌های مداربسته و روشنایی، پیام خطر دستگیری را به بزهکار منتقل می‌کند و در نتیجه احتمال ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد (جیسون و ویلسون، ۱۳۹۰، صص. ۴۱، ۴۹، ۶۲؛ رحمت، ۱۳۹۰، صص. ۲۰۷-۲۱۰). کنترل دسترسی و دشوارسازی آماج نیز از طریق محدودسازی ورودی‌ها، مقاوم‌سازی درها و پنجره‌ها، نصب تجهیزات حفاظتی و کاهش سهولت فرار، هزینه‌ی ارتکاب جرم را بالا می‌برند و فضا را از حیث بزهکارانه کم‌جاذبه‌تر می‌سازند (محمودی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۶، صص. ۹۵-۹۶؛ حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۵-۱۲۷). از این‌رو، رویکرد کالبدی بازآفرینی اجتماعی را می‌توان تلاقی بازسازی فیزیکی با عقلانیت پیشگیرانه دانست؛ عقلانیتی که در آن، طراحی محیط به‌مثابه‌ی ابزار مهار فرصت‌های جرم به کار گرفته می‌شود.

با این همه، رویکرد کالبدی در رهیافت بازآفرینی اجتماعی تنها وقتی به نتیجه می‌رسد که از سطح کنترل‌های سخت فراتر رود و به کیفیت ادراکی، مدیریتی و اجتماعی فضا نیز توجه کند. به همین سبب، در این رهیافت افزون بر مؤلفه‌های کلاسیک طراحی محیطی، بر مدیریت و نگهداری محیط، خوانایی و علائم شهری، حضور متوازن شهروندان، زیبایی‌شناسی فضا، فضاهای پویا و مقیاس انسانی نیز تأکید می‌شود. مدیریت و نگهداری محیط، از طریق اقداماتی چون تعمیر روشنایی، پاک‌سازی زباله و دیوارنوشته‌ها، هرس پوشش گیاهی و مراقبت مستمر از فضا، تصویری مثبت و منظم از محله ایجاد می‌کند و همین تصویر مثبت،

اعتماد، اطمینان و احساس کنترل اجتماعی را افزایش می‌دهد (سیدزاده ثانی و جلالی، ۱۳۹۴، صص. ۳۲-۳۴). خوانایی محیط و وجود علائم شهری نیز از سرگردانی، اضطراب و احساس بی‌مکانی می‌کاهد و به‌ویژه برای تازه‌واردان، امنیت ادراکی را افزایش می‌دهد؛ در نتیجه، خطر تبدیل شدن آنان به هدف جرم کاهش می‌یابد (فرید طهرانی، ۱۳۹۰، ص. ۴۸). همچنین، حضور مستمر و متعادل شهروندان در فضاهای عمومی، یکی از ارکان اساسی نظارت طبیعی است، هرچند باید از تراکم‌های ناموزون و فضاهای خالی ناگهانی که خود می‌توانند بستر برخی جرایم باشند، پرهیز کرد (کلکوهون، ۱۳۸۷، صص. ۱۶۴-۱۶۸؛ هال، ۱۳۹۲، ص. ۲۰۶؛ سیدزاده ثانی و جلالی، ۱۳۹۴، صص. ۳۱-۳۴). در کنار این موارد، زیبایی‌شناسی فضا، محصوریت سنجیده، فرم‌های منظم، نور و سایه، نظم بصری و طراحی مبتنی بر حرکت و تجربه‌ی عابر پیاده جملگی در تقویت حس آرامش، تعلق، درک‌پذیری و امنیت نقش دارند (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص. ۱۹؛ لنگ، ۱۴۰۲، صص. ۲۳، ۸۲-۸۳). بنابراین، رویکرد کالبدی در رهیافت بازآفرینی اجتماعی را باید راهبردی چندسطحی دانست که با ترکیب هویت فضایی، کیفیت طراحی، کنترل موقعیت‌های جرم‌زا، مدیریت مستمر محیط و افزایش حضور اجتماعی، می‌کوشد محله را از یک فضای آسیب‌پذیر به محیطی خوانا، زنده، مراقبت‌شده و در نهایت پیشگیرانه تبدیل کند.

رویکرد کالبدی در بازآفرینی اجتماعی در راستای پیشگیری وضعی از جرم بر این فرض استوار است که جرم تنها نتیجه‌ی گرایش فردی بزهکار به ارتکاب جرم نیست، بلکه به فرصت‌ها، موقعیت‌ها و کیفیت محیط بلافصل نیز وابسته است؛ از این رو، با مدیریت، طراحی یا دست‌کاری محیط فیزیکی، محصولات و نظام‌های مرتبط می‌توان فرصت‌های روزمره‌ی ارتکاب جرم را کاهش داد (گسن، ۱۳۷۶، صص. ۶۰۹-۶۱۴؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۶۰). از این رو، پیشگیری وضعی در پیوند با بازآفرینی اجتماعی کالبدی ناظر است بر کنش‌های دشوارکننده‌ی ارتکاب جرم، کنش‌های افزایش‌دهنده‌ی خطر ارتکاب جرم و کنش‌های کاهش‌دهنده‌ی سود مجرمانه (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص. ۵۰۴، عصاره و شامبیاتی، ۱۳۹۱، صص. ۹۳-۹۴؛ نیازپور، ۱۴۰۴، صص. ۱۸۹-۲۰۰). در این رویکرد به‌ویژه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی کاربرد همسویی داشته و بر نقش سازمان‌دهی کالبدی، کیفیت طراحی شهری، نحوه‌ی استفاده از فضاهای عمومی، بهبود مسکن، حمل‌ونقل، ایمنی راه‌ها و برنامه‌ریزی شهری در کاهش فرصت‌های جرم، بزه‌دیدگی و احساس ناامنی تأکید می‌کند (شاو، ۲۰۱۰، صص. ۹۸-۹۹؛ ولش و فارینگتون، ۲۰۱۲، صص. ۳-۱۹؛ کراوفورد و ایوانز، ۲۰۱۷، صص. ۸۰۰-۸۰۲). بر این اساس، عناصر کالبدی ذکر شده در جدول شماره ۲، مانند هویت و منظر شهری، سازمان‌دهی معابر، کنترل دسترسی، مدیریت و نگهداری محیط، خوانایی فضا، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی و طراحی ایمن فضاهای عمومی، صورت عملی همان منطق پیشگیری وضعی هستند که در رهیافت بازآفرینی اجتماعی، از راه بازطراحی و بازسامان‌دهی محیط شهری تحقق می‌یابد. البته کاربست تدابیر کالبدی در پیشگیری وضعی، به‌ویژه وقتی که با کنترل دسترسی، نظارت فنی، تجهیزات حفاظتی یا مداخله در مسیرهای ورود و خروج همراه می‌شود، نباید به اقداماتی نامحدود یا ناسازگار با حقوق شهروندان تبدیل شود. رویکرد کالبدی بازآفرینی اجتماعی

وقتی با منطق پیشگیری وضعی قابل دفاع است که افزون بر کاهش فرصت‌های جرم، با معیارهایی مانند ضرورت عرفی، تناسب، و قابلیت اطلاع‌رسانی همراه باشد (صفاری و صابری، ۱۳۹۳، صص. ۱۴۶-۱۴۹).

جدول ۲. رویکرد کالبدی به‌مثابه‌ی پیشگیری وضعی با رویکرد طراحی محیطی

عناصر اصلی	شرح رویکرد کالبدی بازآفرینی اجتماعی	کارکرد پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیطی
هویت و منظر شهری محله	تقویت انسجام بصری، هماهنگی نماها، ریخت‌شناسی روشن، خط آسمان، مصالح مناسب و تصویر ذهنی مثبت از محله.	افزایش حس تعلق، تقویت مراقبت اجتماعی، کاهش بی‌نظمی و محدودسازی فضاهای بی‌دفاع.
دسترسی به خدمات و سازمان‌دهی معابر	طراحی مناسب خیابان‌ها، گذرها، پیاده‌روها و دسترسی آسان به خدمات محلی و فضاهای عمومی.	افزایش حضور مردم، تقویت تعاملات اجتماعی، افزایش نظارت طبیعی و کاهش فرصت‌های جرم.
زیبایی‌شناسی و کیفیت ادراکی فضا	توجه به نظم، هماهنگی، محصوریت، فرم‌های منظم، نور و سایه، و طراحی متناسب با تجربه‌ی انسانی.	افزایش احساس نظم و امنیت، کاهش آشفتگی محیطی و تقویت استفاده‌ی مشروع از فضا.
قلمروگرایی	تعریف مرزهای روشن میان فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی و تقویت احساس مالکیت.	افزایش مسئولیت‌پذیری ساکنان، شناسایی غریبه‌ها و کاهش امکان نفوذ بزهکاران.
نظارت طبیعی	امکان مشاهده‌ی فضاهای عمومی از درون ساختمان‌ها، پنجره‌ها، معابر و حضور همسایگان.	افزایش احتمال دیده‌شدن رفتارهای مشکوک و کاهش جرایم روزمره.
نظارت رسمی و فنی	حضور پلیس، نگهبان، دوربین‌های مداربسته و روشنایی مناسب.	افزایش خطر دستگیری برای مجرم، کاهش جرایم و افزایش احساس امنیت عمومی.
کنترل دسترسی	محدودسازی ورودی‌ها، مدیریت مسیرهای ورود و خروج، و هدایت دسترسی‌ها به فضاهای مشخص.	کاهش سهولت ورود بزهکاران و محدودسازی دسترسی به اهداف جرم.
دشواری آماج جرم	مقاوم‌سازی درها و پنجره‌ها، نصب حفاظ، قفل، سیستم هشدار و دیگر تجهیزات امنیتی.	افزایش هزینه و دشواری ارتکاب جرم و کاهش جذابیت برای بزهکار.
مدیریت و نگهداری محیط	تعمیر، پاک‌سازی، نورپردازی، رسیدگی به فضاهای عمومی، نگهداری مستمر و حفظ تصویر مثبت محیط.	کاهش نشانه‌های بی‌نظمی، تقویت کنترل اجتماعی غیررسمی، و جلوگیری از رشد ناامنی.
حمایت از فعالیت‌های اجتماعی	ایجاد فضاهای مکث، نشستن، تجمع، گفتگو، خرید، تفریح، و استفاده‌ی مشروع از فضاهای عمومی.	افزایش حضور مردم، تقویت نظارت انسانی، و کاهش تسلط بزهکاران بر فضا.

کاهش سردرگمی، افزایش احساس امنیت روانی و کاهش آسیب‌پذیری افراد ناآشنا.	استفاده از نشانه‌ها، علائم، سازمان فضایی روشن و قابل درک برای شهروندان و تازه‌واردان.	خوانایی محیط و علائم شهری
تقویت نظارت طبیعی و کاهش فرصت‌های جرم ناشی از تراکم یا خلأ فضایی.	توزیع مناسب جمعیت در فضاهای عمومی و پرهیز از ازدحام یا خلوتی افراطی.	حضور متوازن شهروندان در فضا
افزایش سرزندگی، کاهش فضاهای مرده و تقویت امنیت اجتماعی.	طراحی روشن، قابل دید، دارای امکانات استراحت، فعالیت و حضور مستمر کاربران.	پارک‌ها و فضاهای سبز امن
افزایش نظارت، کاهش نقاط کور، و ارتقای امنیت روزمره‌ی ساکنان و کاربران.	توجه به ورودی‌ها، پنجره‌ها، راهروها، پارکینگ، نورپردازی، چیدمان و کنترل دید.	طراحی ایمن ساختمان‌های مسکونی و تجاری

۱-۲-۲. رویکرد غیر کالبدی بازآفرینی اجتماعی به‌منابهی پیشگیری اجتماعی با رویکرد جامعه‌مدار

رویکرد غیرکالبدی در رهیافت بازآفرینی اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که جرم را نمی‌توان فقط با مداخله در فرم و ساختار محیط مهار کرد، بلکه باید سرچشمه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جرم‌زا را نیز موضوع مداخله قرار داد. در این منطق، فقر، بیکاری، بی‌ثباتی اقتصادی، نابرابری درآمدی، ضعف کیفیت زندگی، گسست پیوندهای اجتماعی، افول هویت محلی و مشارکت‌ناپذیری شهروندان، همگی از زمره‌ی عوامل مولد ناامنی هستند و تا وقتی که این بسترها ترمیم نشوند، هر نوع بازسازی کالبدی نیز با محدودیت روبه‌رو خواهد بود. از این رو، رهیافت بازآفرینی اجتماعی به سه سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد و تأکید می‌کند که بهبود شرایط اقتصادی، ایجاد فرصت‌های برابر، ارتقای خدمات آموزشی، بهداشتی و شغلی، و تقویت احساس رضایت و مشارکت اجتماعی می‌تواند زمینه‌های بروز جرم را کاهش دهد. در همین چهارچوب، بیکاری و سطح پایین دستمزدها به‌عنوان محرک‌های مهم بزهکاری معرفی شده‌اند؛ چرا که وقتی بازده فعالیت‌های قانونی کاهش یابد و امکان تأمین نیازهای مشروع از مسیر کار رسمی دشوار شود، جذابیت فعالیت‌های غیر قانونی افزایش می‌یابد (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، صص. ۶۶-۷۳). همچنین، تورم و بی‌ثباتی اقتصادی با کاهش قدرت خرید، تضعیف سرمایه‌های اجتماعی و افزایش نارضایتی و فقر می‌تواند انگیزه‌های مجرمانه را تشدید کند (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۷۰-۷۷)، و نابرابری درآمدی نیز از طریق افزایش شکاف طبقاتی، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف انسجام اجتماعی، به رشد رفتارهای مجرمانه دامن می‌زند (توسلی، ۱۴۰۰، صص. ۷۷-۸۰). بنابراین، در رهیافت غیر کالبدی، پیشگیری از جرم مستلزم مداخله در همان سازوکارهایی است که محرومیت، بی‌عدالتی و فشار اقتصادی را بازتولید می‌کنند.

همچنین لایه‌ی این رویکرد بر بازآفرینی اقتصادی محله‌محور متمرکز است؛ یعنی بر این ایده که امنیت پایدار در بافت‌های فرسوده و مسئله‌خیز، بدون احیای بنیان‌های اقتصادی محلی، ایجاد اشتغال، جذب سرمایه، و پویاسازی فعالیت‌های مشروع

به دست نمی‌آید. در این نگاه، بازآفرینی اقتصادی فقط به معنای افزایش درآمد یا رونق تجاری نیست، بلکه راهبردی برای بازگرداندن سرزندگی، تقویت کرامت معیشتی و کاهش انگیزه‌های ناشی از فقر و طرد اقتصادی است. رهیافت بازآفرینی اجتماعی بر اهمیت ایجاد اشتغال، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، ارتقای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تقویت مراکز تولید و توزیع خدماتی، و نیز استفاده از ظرفیت بازارها، کارگاه‌های تولیدی و صنایع دستی در بازسازی امنیت محله تأکید می‌کند (ناهدی آذر و همکاران، ۱۴۰۲، صص. ۷۶-۷۹). افزون بر این، بازارها نه فقط به عنوان نهادهای اقتصادی، بلکه به مثابه‌ی عرصه‌های تعامل اجتماعی، مذهبی و فرهنگی معرفی شده‌اند که می‌توانند حس تعلق، همبستگی و نظم اجتماعی را تقویت کنند؛ به ویژه وقتی که از شکل‌های فاقد طراحی و بی‌نظم فاصله بگیرند و به ساختارهای واجد هویت، نظارت و پیوند اجتماعی تبدیل شوند (رجبی، ۱۳۸۵، صص. ۱۱۹-۱۲۴، ۱۶۷؛ حبیبی، ۱۴۰۱، ص. ۱۳). در عین حال، برندسازی بافت‌های تاریخی، توسعه‌ی صنایع خلاق، هدایت سرمایه‌گذاری به مناطق مسئله‌دار، و تبدیل میراث تاریخی به موتور ارزش‌افزوده‌ی محلی نیز از ابزارهای کلیدی بازآفرینی اقتصادی محسوب می‌شوند؛ ابزارهایی که هم‌زمان با رونق‌بخشی به اقتصاد محله، هویت فرهنگی را نیز احیا می‌کنند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۲۲-۲۳؛ عندلیب، ۱۳۹۸، صص. ۲۲۰-۲۲۳؛ ایلی و همکاران، ۱۴۰۱، صص. ۴-۷). از این رو، رویکرد غیر کالبدی در بعد اقتصادی، جرم را از رهگذر افزایش فرصت‌های مشروع و کاهش محرومیت ساختاری مهار می‌کند.

تقویت ابعاد اجتماعی و فرهنگی محله به عنوان عنصری دیگر در این رویکرد مورد ملاحظه است؛ زیرا در رهیافت بازآفرینی اجتماعی، امنیت پایدار بدون همبستگی اجتماعی، مشارکت شهروندی، هویت فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی به دست نمی‌آید. بر همین اساس، بازآفرینی باید فراتر از زیرساخت و اقتصاد، به ارتقای آموزش، بهداشت، روابط اجتماعی، فضاهای فرهنگی و هنری، و حفظ میراث تاریخی و فرهنگی نیز پردازد (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، صص. ۹۶-۱۰۰؛ فنی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۵). فرهنگ و هنر تنها ابزارهای تزئینی یا نمادین نیستند، بلکه می‌توانند با افزایش مشارکت اجتماعی، مراقبت عمومی از محیط، بازسازی اعتماد و تقویت حس تعلق، به کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی یاری رسانند. همچنین، محله‌محوری یکی از ارکان اساسی این بخش است؛ رویکردی که با توانمندسازی اقشار کم‌درآمد، کاهش فاصله‌ی مردم با مدیریت شهری، تقویت نهادهای محلی، و فراهم کردن برنامه‌های فرهنگی و تفریحی برای کودکان و نوجوانان، هم‌زمان به ارتقای کیفیت زندگی و پیشگیری از کج‌روی کمک می‌کند. در همین امتداد، توجه به کیفیت زندگی، فضای اجتماعی، و همبستگی محلی نیز برای کاهش احساس بیگانگی، نارضایتی و بی‌اعتمادی ضروری است؛ چرا که شهر وقتی از منظر جرم‌شناختی ایمن‌تر می‌شود که شهروندان در آن احساس مشارکت، کرامت و تعلق داشته باشند (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۴، صص. ۶-۸؛ فتاحی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۹۹؛ آخوندی و همکاران، ۱۳۹۳، صص. ۶-۱۰؛ سلیمانی مهرنجانی و همکاران، ۱۴۰۰، صص. ۲۲۰-۲۲۲). بنابراین، رویکرد غیر کالبدی در بعد اجتماعی و فرهنگی، از رهگذر بازسازی پیوندهای جمعی، تقویت نهادهای محلی و تبدیل فرهنگ به سرمایه‌ی اجتماعی پیشگیرانه، عمل می‌کند.

بُعد دیگر رویکرد غیر کالبدی، برنامه‌ریزی راهبردی یکپارچه و حکمرانی مشارکتی است؛ بدین معنا که بازآفرینی اجتماعی، بدون شناسایی منظم فرصت‌ها و تهدیدها، تحلیل ضعف‌ها و قوت‌ها، و مداخله‌ی هماهنگ در سطوح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی، به رهیافتی مؤثر در پیشگیری از جرم تبدیل نخواهد شد. برنامه‌ریزی راهبردی اصلاً فرایندی مداوم است که باید از مرحله‌ی شناخت و تحلیل مسائل و فرصت‌ها آغاز شود، فرایند زوال بافت را توضیح دهد، و سپس راهبردهای بازآفرینی را بر مبنای واقعیت‌های هر محله تدوین کند (شماعی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۵۹-۶۱؛ تاجیک و همکاران، ۱۳۹۸، صص. ۵۳-۵۵). این رویکرد، موفقیت بازآفرینی را در گرو مداخله‌ی هم‌زمان دولت، بخش خصوصی، جامعه‌ی محلی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی می‌داند. همچنین، تعادل میان سازگاری، دستیابی به اهداف، یکپارچگی و حفظ الگوهای پنهان حائز اهمیت است: تعادلی که اگر در بافت‌های تاریخی و فرسوده برقرار شود، می‌تواند به حفظ هویت، تقویت انسجام و کاهش بی‌نظمی‌های اجتماعی و جرم‌زا بینجامد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷، صص. ۲۱-۲۳). بر این مبنای، رویکرد غیر کالبدی در رهیافت بازآفرینی اجتماعی را باید راهبردی دانست که نه با حذف صرف موقعیت‌های جرم‌زا، بلکه با تقویت عدالت اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی، بازسازی سرمایه‌های فرهنگی و استقرار حکمرانی هماهنگ می‌کوشد علل ساختاری و زمینه‌ای جرم را خنثی کرده و شهر را از درون به فضایی امن‌تر و عادلانه‌تر بدل کند.

رویکرد غیرکالبدی در بازآفرینی اجتماعی در راستای پیشگیری اجتماعی از جرم بر رویکرد پیشگیری جامعه‌مدار تکیه دارد. در این نوع پیشگیری از جرم اصلاح شرایط اجتماعی و نهادی مؤثر بر جرم در سطح محله و اجتماع محلی تأکید دارد. در این معنا، پیشگیری جامعه‌مدار به‌جای تمرکز صرف بر فرد بزه‌کار، بر عواملی مانند ضعف سرمایه‌ی اجتماعی، گسست پیوندهای محلی، فقر، محرومیت، ضعف خدمات عمومی، کاهش اعتماد، نبود مشارکت و ناتوانی نهادهای محلی در تنظیم روابط اجتماعی تمرکز می‌کند. بر همین اساس، برنامه‌هایی مانند تقویت آموزش و اشتغال، افزایش خدمات محله‌ای، توسعه‌ی مشارکت ساکنان، ارتقای انسجام اجتماعی، حمایت از خانواده‌ها و جوانان، و توانمندسازی نهادهای محلی، بخشی از منطق پیشگیری اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌مدار محسوب می‌شوند (عباسی، ۱۳۸۳، صص. ۶۰-۶۱؛ شاور، ۲۰۱۱، صص. ۱۲-۱۴؛ ولش و فارینگتون، ۲۰۱۲، صص. ۴، ۹-۱۱؛ کراوفورد و ایوانز، ۲۰۱۷، صص. ۸۰۷-۸۰۸). از این منظر، مؤلفه‌های رویکرد غیرکالبدی بازآفرینی اجتماعی در جدول شماره ۳ را باید سازوکارهایی دانست که با بازسازی روابط اجتماعی، تقویت سرمایه‌ی اجتماعی، گسترش فرصت‌های مشروع و فعال‌سازی ظرفیت‌های محلی، منطق پیشگیری اجتماعی و جامعه‌مدار از جرم را در سطح محله و شهر عملیاتی می‌کنند.

جدول ۳. رویکرد غیرکالبدی به‌مثابه‌ی پیشگیری اجتماعی با رویکرد جامعه‌مدار

عناصر اصلی	شرح رویکرد غیرکالبدی بازآفرینی اجتماعی	کارکرد پیشگیری اجتماعی با رویکرد جامعه‌مدار
------------	--	---

توانمندسازی اقتصادی و اشتغال پایدار	ایجاد فرصت‌های شغلی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، حمایت از کسب‌وکارهای محلی و تقویت معیشت قانونی. بیکاری، و محدودسازی گرایش به فعالیت‌های غیرقانونی. کاهش انگیزه‌های مالی بزهکاری، کاهش
کاهش فقر، بیکاری و فشارهای اقتصادی	بهبود دستمزدها، کاهش بی‌ثباتی اقتصادی، مهار تورم و کاهش فشارهای معیشتی. زمین‌های اقتصادی جرم.
کاهش نابرابری درآمدی و تقویت عدالت اجتماعی	توزیع عادلانه‌تر منابع، حمایت از اقشار کم‌درآمد و کاهش شکاف طبقاتی. کاهش احساس بی‌عدالتی، تقویت انسجام اجتماعی، و کاستن از زمینه‌های نارضایتی جرم‌زا.
سرمایه‌گذاری و جذب منابع اقتصادی	هدایت سرمایه‌گذاری به بافت‌های فرسوده، جلب مشارکت بخش خصوصی، و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی.
احیای فعالیت‌های اقتصادی محلی	تقویت بازارها، کارگاه‌های تولیدی، خدمات محلی، خرده‌فروشی و ظرفیت‌های بومی. افزایش سرزندگی اقتصادی، تقویت حضور اجتماعی، و کاهش رکود و ناامنی.
برندسازی، گردشگری و اقتصاد فرهنگی	استفاده از هویت تاریخی و فرهنگی برای جذب گردشگر، سرمایه و ایجاد ارزش افزوده. تقویت هویت محله، رونق اقتصادی و کاهش زمینه‌های زوال و بی‌ثباتی اجتماعی.
صنایع خلاق و نواحی نوآور	بهره‌گیری از هنر، خلاقیت، نوآوری، استارت‌آپ‌ها و کاربری‌های چندمنظوره در توسعه محله. افزایش پویایی اجتماعی، و کاهش جاذبه‌ی محیط‌های راکد و مسئله‌دار.
تقویت همبستگی اجتماعی و مشارکت شهروندی	افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، مدیریت محله، برنامه‌های اجتماعی و مراقبت از محیط. تقویت نظارت اجتماعی غیررسمی، افزایش مسئولیت‌پذیری و کاهش بی‌تفاوتی نسبت به آسیب‌ها.
محله‌محوری و توانمندسازی گروه‌های آسیب‌پذیر	توجه به نیازهای محلی، کاهش فاصله‌ی مردم با مدیریت شهری، و حمایت از اقشار کم‌درآمد و در معرض آسیب. کاهش حاشیه‌نشینی اجتماعی، تقویت تعلق محله‌ای، و پیشگیری از بروز رفتارهای کج‌روانه.
ارتقای کیفیت زندگی شهری	بهبود آموزش، بهداشت، خدمات عمومی، رضایت از زندگی و شرایط زیست شهری. کاهش نارضایتی اجتماعی، کاهش احساس طرد و افزایش امنیت اجتماعی.
فعالیت‌های فرهنگی	توسعه‌ی کاربری‌های فرهنگی، برنامه‌های هنری، تقویت فضاها، فرهنگی، و استفاده از ظرفیت هنر در بازآفرینی رفتارهای پرخطر، و تقویت همبستگی و امنیت اجتماعی.

تقویت احساس تعلق، بازسازی اعتماد اجتماعی و کاهش بی‌هویتی زمینه‌ساز آسیب.	صیانت از میراث فرهنگی، حافظه‌ی محله، ارزش‌های بومی و پیوند نسل‌ها با تاریخ محله.	حفظ و تقویت هویت فرهنگی و تاریخی
هدفمندشدن مداخلات، کاهش عوامل جرم‌زا، و افزایش اثربخشی سیاست‌های پیشگیرانه.	تحلیل فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف، و طراحی مداخلات هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و امنیتی.	برنامه‌ریزی راهبردی یکپارچه
افزایش کارآمدی سیاست‌ها، تقویت اعتماد عمومی، و پایداری بیشتر فرایند پیشگیری.	همکاری دولت، مدیریت شهری، بخش خصوصی، نهادهای فرهنگی و جامعه‌ی محلی در فرایند بازآفرینی.	حکمرانی مشارکتی و هماهنگی نهادی
کاهش انزوا و بی‌اعتمادی، افزایش تاب‌آوری محله و کاهش گرایش به جرم.	تقویت اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، همکاری محلی و پیوندهای تعهدآور میان ساکنان.	بازسازی سرمایه‌های اجتماعی

۲. رهیافت بازآفرینی اجتماعی در پیوند با پیشگیری از جرم در پرتو بررسی قوانین و مقررات ایران

مؤلفه‌ها و منطق درونی رهیافت بازآفرینی اجتماعی در پیوند با پیشگیری از جرم را می‌توان در مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، اسناد راهبردی و آیین‌نامه‌های اجرایی کشور بازشناخت. رشد چشمگیر پدیده شهرنشینی از اوایل دهه چهل سبب شد قانونگذاران و متولیان جامعه از طریق تصویب قوانین و مقررات مرتبط در مقام سامان بخشی به این پدیده برآیند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۹، ص. ۱۱). بسیاری از قوانین و مقررات ایران، هرچند با عناوینی همچون نوسازی شهری، توانمندسازی بافت‌های فرسوده، توسعه‌ی پایدار، حمایت از اشتغال، ارتقای خدمات عمومی رفاه اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی تدوین شده‌اند، در عمل حاوی همان سازوکارهایی هستند که رهیافت بازآفرینی اجتماعی برای پیشگیری از جرم بر آن‌ها تکیه دارد. از این رو، در این بخش با مرور برخی از مهمترین قوانین و مقررات در این زمینه، نشان داده می‌شود که چگونه قانون‌گذار ایرانی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از رهگذر به‌سازی فضاهای عمومی و نوسازی شهری، ایجاد فرصت‌های شغلی و فرصت‌های برابر، ارتقای انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری، بسترهای حقوقی لازم برای تحقق بازآفرینی اجتماعی و کاهش زمینه‌های جرم‌زا را فراهم آورده است.

۲-۱. بهسازی فضاهای عمومی و نوسازی شهری با پیوند بازآفرینی کالبدی و پیشگیری وضعی

مهم‌ترین بستر حقوقی برای شناسایی بازآفرینی اجتماعی در حوزه‌ی بهسازی فضاهای عمومی و نوسازی شهری را می‌توان در قوانین و مقررات زیر مشاهده کرد:

- در فصل ۱۱ قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۴۰۳) در سطح کلان با عنوان توسعه مسکن، از جمله در ماده پنجاه دو و به طور خاص در بند "ت" که به پروانه نوسازی مسکن در محدوده های مصوب بازآفرینی شهری و مربوط به بافت های فرسوده و ناکارآمد اشاره دارد؛ و در بند "ج" که وزارت راه و شهرسازی را با همکاری وزارت کشور و شهرداری ها مکلف به شناسایی کلیه ساختمان های نایمن بحرانی و سپس ایمن سازی آن ها می نماید.

- در بند اول ماده ی پنجاه و پنج قانون شهرداری ها (مصوب ۱۳۳۴)، ایجاد و توسعه ی فضاهای عمومی، از جمله پارک ها، بوستان ها و فضاهای سبز، در شمار وظایف اساسی شهرداری قرار گرفته و بدین ترتیب قانون گذار از طریق تقویت عرصه های تعامل جمعی، در جهت ارتقای کیفیت زندگی شهری و کاهش تنش های اجتماعی گام برداشته است.

- در ماده ی یک قانون نوسازی و عمران شهری (مصوب ۱۳۴۷) اصلاحات اساسی در شهر، از جمله احداث و اصلاح معابر، توسعه ی میدان ها، پارک ها و پارکینگ ها، به مثابه ی تکلیف قانونی شهرداری ها مطرح شده است.

- قانون حمایت از احیا، به سازی و نوسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری (مصوب ۱۳۸۹)، به ویژه در مواد یک، سه، چهار، هشت، پانزده و شانزده، با ایجاد سازوکارهای طرح ریزی، تصویب، واگذاری اجرا، حمایت مالی و هماهنگی نهادی، نوسازی را از سطح اقدام عمرانی پراکنده فراتر برده و به فرایندی ساخت یافته تبدیل کرده است.

- ماده ی هفت الحاقی سند ملی راهبردی احیا (مصوب ۱۳۹۳) و ماده ی دو آیین نامه اجرایی برنامه ی ملی بازآفرینی شهری پایدار (مصوب ۱۳۹۷)، به صراحت بر به سازی فضاهای عمومی، نوسازی و مقاوم سازی مسکن، بهبود زیرساخت های حیاتی و خدمات روبنایی و ارتقای کیفیت زیست در محله های هدف تأکید دارند.

در نتیجه، در قوانین و مقررات فوق به سازی فضاهای عمومی و نوسازی شهری که از مظاهر بازآفرینی کالبدی است از رهگذر ارتقای کیفیت محیط شهری، کاهش بی نظمی و فرسودگی، تقویت حس تعلق محلی، افزایش زیست پذیری محله ها و کاهش زمینه های ناامنی و جرم با پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیطی پیوند دارد.

۲-۲. ایجاد فرصت های شغلی و برابر با پیوند بازآفرینی غیرکالبدی و پیشگیری اجتماعی

یکی از جلوه های مهم بازآفرینی اجتماعی در قوانین و مقررات ایران زیر، توجه به ایجاد فرصت های شغلی و برقراری فرصت های برابر برای گروه های مختلف اجتماعی است؛ زیرا قانون گذار به درستی دریافته است که فقر، بیکاری، نابرابری و احساس حذف شدگی اجتماعی، از مهم ترین زمینه های تولید آسیب و جرم هستند:

- فصل ۱ قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۴۰۳) در سطح کلان با عنوان رشد اقتصادی، از جمله در ماده پنج مرتبط با مردمی سازی اقتصاد و در خصوص امکان مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی؛ در ماده شش در خصوص توسعه کسب و کارهای خرد خانگی؛ و در ماده سی و یک مرتبط با تأمین اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد، که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را جهت اقداماتی برای شناسایی افراد کم درآمد با رویکرد اجتماع محور ملزم می‌دارد؛ جملگی زمینه افزایش فرصت‌های شغلی و فرصت‌های برابر را فراهم می‌سازند.

- در سطحی عینی‌تر، قانون کار (مصوب ۱۳۶۹) از مهم‌ترین اسناد حقوقی این حوزه است؛ زیرا در مواد شش و هفت، بر منع تبعیض در استخدام و تضمین امنیت شغلی تأکید می‌کند، در مواد سی و چهار تا پنجاه، نظام حقوق و مزایا را برای تأمین ثبات اقتصادی کارگران سامان می‌دهد، در مواد بیست و نه و سی، حمایت از کارگران بیکار را پیش‌بینی می‌کند و در ماده صد و هفت، آموزش و ارتقای مهارت‌های شغلی را به‌عنوان تکلیف کارفرما مورد شناسایی قرار می‌دهد.

- در بندهای الحاقی ده و یازده سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (مصوب ۱۳۹۳)، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف شده است از طریق آموزش‌های مهارتی و توانمندسازی اقتصادی، فرصت‌های اشتغال را در محلات هدف گسترش دهد.

- آیین‌نامه‌ی اجرایی برنامه‌ی ملی بازآفرینی شهری پایدار (مصوب ۱۳۹۷) و اسناد مرتبط با بازآفرینی اقتصادی بافت‌های فرسوده، بر تأمین منابع مالی، جلب سرمایه‌گذاران و توسعه‌ی فعالیت‌های مولد تأکید دارند.

قوانین و مقررات ذکر شده نشان می‌دهند که ایجاد اشتغال و فرصت‌های برابر نه صرفاً یک سیاست اقتصادی صرف، بلکه یکی از ابزارهای کلیدی بازآفرینی اجتماعی با رویکرد غیر کالبدی است که در قالب کاهش فقر و بیکاری، کاهش فشارهای اقتصادی جرم‌زا، گسترش فرصت‌های مشروع معیشتی، تقویت عدالت اجتماعی، و کاهش گرایش به رفتارهای مجرمانه تأثیر به‌سزایی دارد که در راستای پیشگیری اجتماعی در بعد جامعه‌مدار کارایی دارد.

۲-۳. ارتقای انسجام اجتماعی با پیوند بازآفرینی غیر کالبدی و پیشگیری اجتماعی

ارتقای انسجام اجتماعی، از رهگذر مجموعه‌ای از قوانین و اسناد سیاستی دنبال شده است که هرچند غالباً با زبان «بازآفرینی اجتماعی» و «پیشگیری از جرم» تدوین نشده‌اند، اما در عمل مؤلفه‌های اصلی آن را در خود جای داده است:

- قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۴۰۳) در سطح کلان در فصل ۱۱ مسکن حمایتی از جمله در ماده پنجاه؛ در فصل ۴ ارتقای نظام سلامت از جمله در ماده هفتاد؛ در فصل ۱۵ ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه از جمله در ماده هفتادوشش، در فصل ۱۶ زن، خانواده و جمعیت از جمله ماده هشتاد؛ در فصل ۱۷ میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از جمله در ماده هشتادوسه؛ در فصل ۱۸ سیاست داخلی و ارتقای سلامت اجتماعی از جمله در مواد هشتادوپنج و هشتادوشش؛ و نیز در فصل ۱۹ ارتقای نظام آموزشی از جمله در مواد هشتادونه و نود؛ بسترهای ارتقای انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورد.

- قانون شهرداری‌ها (مصوب ۱۳۳۴)، در این حوزه جایگاهی مهم دارد؛ زیرا در بند بیست‌ویک ماده‌ی پنجاه‌وپنج، احداث باغ کودکان و خانه‌های ارزان‌قیمت برای اقشار کم‌درآمد را پیش‌بینی می‌کند و در ماده‌ی صدودوازده، نهادهای غیرانتفاعی ورزشی را از عوارض معاف می‌سازد. این مقررات نشان می‌دهد که قانون‌گذار به نقش فضاهای تفریحی، فرهنگی و ورزشی در تقویت پیوندهای اجتماعی، پیشگیری از انزوا و کاهش بزهکاری، به‌ویژه در میان جوانان، توجه داشته است که در راستای پیشگیری جامعه‌مدار کاربرد دارد.

- سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (مصوب ۱۳۹۳)، به‌ویژه در بندهای الحاقی ده و یازده، با تکلیف وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و تعاون، کار و رفاه اجتماعی به ارائه‌ی خدمات آموزشی، بهداشتی و مهارتی در محلات هدف، مستقیماً در جهت توانمندسازی ساکنان و بازسازی شبکه‌های اجتماعی محله‌ای گام برمی‌دارد.

- آیین‌نامه‌ی اجرایی برنامه‌ی ملی بازآفرینی شهری پایدار (مصوب ۱۳۹۷)، به‌ویژه در مواد دو، سه، چهار، پنج و ده، بازآفرینی را فرایندی فراتر از نوسازی فیزیکی می‌داند و با تأکید بر حفظ هویت فرهنگی، مشارکت مالکان، انتخاب نهادهای توسعه‌گر و هدایت هماهنگ برنامه‌ها، بر بعد اجتماعی و نهادی بازآفرینی تأکید می‌کند.

- قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳) و آیین‌نامه اجرایی چتر ایمنی رفاه اجتماعی که در سال ۱۳۸۴ در راستای بند ه ماده شش این قانون تصویب شده است. وفق ماده سه و چهار این آیین‌نامه با تمرکز بر گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله کودکان بی سرپرست، زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست سالمندان، معلولان و سایرین شامل بیکاران، معتادان، بیماران مزمن جسمی و روانی و ... اقدامات و برنامه‌های حمایتی عبارتند از امنیت، تغذیه، بهداشت و درمان پایه، اشتغال مولد، توانمندسازی، ارتقای آگاهی عمومی، مسکن و مدیریت مخاطرات.

در نتیجه، ارتقای انسجام اجتماعی در قوانین و مقررات ایران، از راه گسترش خدمات عمومی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، توسعه فضایهای جمعی، تقویت نهادهای محلی و مشارکت شهروندان، تقویت پیوندهای اجتماعی، افزایش مشارکت شهروندی، کاهش انزوا و حاشیه‌نشینی، و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی محله به‌عنوان بخشی اساسی از بازآفرینی اجتماعی غیر کالبدی و در راستای پیشگیری اجتماعی در بعد جامعه‌مدار مورد شناسایی قرار گرفته است.

۲-۴. توسعه‌ی پایدار شهری با پیوند بازآفرینی کالبدی-غیر کالبدی و پیشگیری وضعی-اجتماعی

در نظام حقوقی ایران، توسعه‌ی پایدار شهری یکی از روشن‌ترین زمینه‌های بازشناسی رهیافت بازآفرینی اجتماعی است؛ زیرا بسیاری از قوانین و مقررات موجود، نوسازی شهری را نه به‌صورت تک‌بعدی و صرفاً عمرانی، بلکه در پیوند با عدالت اجتماعی، پایداری اقتصادی، حفظ هویت فرهنگی و ارتقای کیفیت زندگی دنبال می‌کنند:

- قانون برنامه پنجساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۴۰۳) از مهم‌ترین اسناد در سطح کلان در این حوزه است که با تجمیع ارکان توسعه پایدار در یک سند؛ از جمله در فصل ۱ رشد اقتصادی؛ فصل ۶ تأمین اجتماعی، سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه درآمد؛ فصل ۱۱ توسعه مسکن؛ فصل ۱۴ ارتقای نظام سلامت؛ فصل ۱۵ ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه؛ فصل ۱۶ زن، خانواده و جمعیت؛ فصل ۱۷ میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی؛ فصل ۱۸ سیاست داخلی و نظام ارتقای سلامت اجتماعی؛ فصل ۱۹ ارتقای نظام آموزشی؛ و نیز در فصول دیگر نگاه کلان خود را به پایداری شهر آشکار می‌سازد.
- آیین‌نامه‌ی اجرایی برنامه‌ی ملی بازآفرینی شهری پایدار در ماده‌ی دو، بر به‌سازی فضایهای عمومی، تقویت زیرساخت‌های حیاتی، توسعه‌ی خدمات رونمایی، نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن تأکید می‌کند و در ماده‌ی سه، اصولی مانند سازگاری اقلیمی، بهره‌وری انرژی و حفظ هویت فرهنگی را وارد منطق بازآفرینی می‌سازد؛ امری که نشان می‌دهد در حقوق ایران، بازآفرینی شهری با توسعه‌ی پایدار پیوندی درونی دارد.
- سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (مصوب ۱۳۹۳) با تأکید بر توانمندسازی ساکنان، ارتقای خدمات آموزشی و بهداشتی، جلوگیری از گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، و تمرکز بر محدوده‌های هدف، درصدد ایجاد نوعی تعادل پایدار میان کالبد، اجتماع و اقتصاد شهری است.
- قانون نوسازی و عمران شهری (مصوب ۱۳۴۷) و قانون حمایت از احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (مصوب ۱۳۸۹)، از طریق ایجاد سازوکارهای منظم نوسازی، معافیت‌های مالی، و حمایت از پروژه‌های به‌سازی، توسعه‌ی متوازن و قابل زیست شهر را تسهیل می‌کنند.

- تصویب‌نامه در خصوص سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی (مصوب ۱۳۸۲) در ماده‌ی سه به پیشگیری از شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیر رسمی در کشور و بهبود شرایط زندگی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط زیستی اشاره دارد.

در نتیجه، توسعه‌ی پایدار شهری در قوانین و مقررات ایران، چارچوبی است که در آن، بازآفرینی اجتماعی در بعد کالبدی از رهگذر عدالت فضایی و در بعد غیرکالبدی در بهبود زیرساخت‌ها، ارتقای خدمات عمومی، حفظ هویت فرهنگی و بسیج سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی درون اجتماعات صورت‌بندی می‌شود. و از این رهگذر با، ایجاد شهرهای پایدارتر و کم‌خطرتر از حیث بروز جرم هم از طریق پیشگیری اجتماعی در بعد جامعه‌مدار و هم از رهگذر پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیطی مؤثر واقع می‌شود.

جدول ۴. بازآفرینی اجتماعی و پیشگیری از جرم در قوانین و مقررات ایران

مؤلفه‌ها	قوانین و مقررات مرتبط	مهم‌ترین مفاد	بازآفرینی اجتماعی و پیشگیری از جرم
به‌سازی فضاهای عمومی و نوسازی شهری	قانون برنامه‌ی هفتم پیشرفت؛ قانون شهرداری‌ها؛ قانون نوسازی و عمران شهری؛ قانون حمایت از احیا، به‌سازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری؛ سند ملی راهبردی احیا و نوسازی؛ آیین‌نامه‌ی اجرایی برنامه‌ی ملی بازآفرینی شهری پایدار.	ایجاد و توسعه‌ی پارک‌ها، بوستان‌ها و فضاهای عمومی؛ اصلاح معابر، میدان‌ها و پارکینگ‌ها؛ نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن؛ تعیین محدوده‌های هدف؛ تهیه و اجرای طرح‌های نوسازی؛ حمایت مالی و تسهیلات بانکی.	بازآفرینی اجتماعی با رویکرد کالبدی در قالب ارتقای کیفیت محیط شهری، کاهش بی‌نظمی و فرسودگی، تقویت حس تعلق محلی، افزایش زیست‌پذیری محله‌ها و کاهش زمینه‌های ناامنی و جرم و در راستای پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیطی.
ایجاد فرصت‌های شغلی و فرصت‌های برابر	قانون برنامه‌ی هفتم پیشرفت؛ قانون کار؛ سند ملی راهبردی احیا و نوسازی؛ آیین‌نامه‌ی اجرایی برنامه‌ی ملی بازآفرینی شهری پایدار.	بهبود محیط کسب‌وکار؛ توسعه‌ی بخش‌های مولد؛ منع تبعیض در استخدام؛ تضمین امنیت شغلی؛ حمایت از کارگران بیکار؛ آموزش و ارتقای مهارت؛ توانمندسازی اقتصادی ساکنان محلات هدف.	بازآفرینی اجتماعی با رویکرد غیر کالبدی در قالب کاهش فقر و بیکاری، کاهش فشارهای اقتصادی جرم‌زا، گسترش فرصت‌های مشروع معیشتی، تقویت عدالت اجتماعی، و کاهش گرایش به رفتارهای مجرمانه و در راستای پیشگیری اجتماعی در بعد جامعه‌مدار.
ارتقای انسجام اجتماعی	قانون برنامه‌ی هفتم پیشرفت؛ قانون شهرداری‌ها؛ قانون ساختار نظام جامع	احداث باغ کودکان و خانه‌های ارزان‌قیمت؛ معافیت نهادهای غیر	بازآفرینی اجتماعی با رویکرد کالبدی در قالب تقویت پیوندهای اجتماعی،

<p>افزایش مشارکت شهروندی، کاهش انزوا و حاشیه‌نشینی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی محله و در راستای پیشگیری اجتماعی در بعد جامعه‌مدار.</p>	<p>انتفاعی ورزشی از عوارض؛ گسترش خدمات آموزشی، بهداشتی و مهارتی؛ مشارکت مالکان و نهادهای توسعه‌گر؛ حمایت از اقشار آسیب‌پذیر.</p>	<p>رفاه و تأمین اجتماعی و آیین‌نامه اجرایی چتر ایمنی رفاه اجتماعی؛ سند ملی راهبردی احیا و نوسازی؛ آیین‌نامه‌ی اجرایی برنامه‌ی ملی بازآفرینی شهری پایدار.</p>	
<p>بازآفرینی اجتماعی با رویکرد کالبدی و غیرکالبدی در قالب پیوند میان عدالت فضایی، کیفیت زندگی، حفظ هویت فرهنگی و امنیت شهری، ایجاد شهرهای پایدارتر، انسانی‌تر و کم‌خطرتر از حیث بروز جرم بسیج سرمایه‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی درون اجتماعات و در راستای پیشگیری اجتماعی در بعد جامعه‌مدار و پیشگیری وضعی از طریق طراحی محیطی.</p>	<p>تأکید بر توسعه‌ی پایدار؛ کاهش حاشیه‌نشینی؛ پیشگیری و پیشگیری از شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیر رسمی. سازگاری اقلیمی؛ بهره‌وری انرژی؛ حفظ هویت فرهنگی؛ ارتقای خدمات عمومی؛ تقویت زیرساخت‌های حیاتی و توسعه‌ی متوازن شهری.</p>	<p>قانون برنامه‌ی هفتم پیشرفت؛ آیین‌نامه‌ی اجرایی برنامه‌ی ملی بازآفرینی شهری پایدار؛ سند ملی راهبردی احیا و نوسازی؛ قانون نوسازی و عمران شهری؛ قانون حمایت از احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده، تصویب‌نامه در خصوص سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی.</p>	<p>توسعه‌ی پایدار شهری</p>

نتیجه‌گیری

رهیافت بازآفرینی اجتماعی در قلمرو شهرسازی، چارچوبی تحلیلی و اجرایی برای بازاندیشی در منطق پیشگیری از جرم در حوزه جرم‌شناسی است؛ چارچوبی که تلاش می‌کند مسئله‌ی جرم را از سطح تبیین‌های فردمحور، واکنشی و پسینی، به سطحی ساختاری، فضا‌مند و جامعه‌محور منتقل کند. جرم و ناامنی در بسیاری از موارد نه پدیده‌هایی منفک از سازمان اجتماعی و کالبدی شهر، بلکه برون‌داد برهم‌کنش نابرابری فضایی، فرسودگی محیطی، ضعف سرمایه‌ی اجتماعی، اختلال در کیفیت زندگی، کاستی در خدمات عمومی، گسست پیوندهای محله‌ای و نقصان در حکمرانی شهری هستند. از این منظر، اهمیت بازآفرینی اجتماعی در آن است که به‌جای تمرکز انحصاری بر مهار پیامدهای جرم، متوجه بازسازی بسترهایی می‌شود که در آنها فرصت‌های جرم‌زا شکل می‌گیرند و ناامنی بازتولید می‌شود. این رهیافت با تکیه بر پیوند میان پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی و با استفاده از ظرفیت نظری رهیافت‌هایی چون پنجره‌های شکسته، فضاهای قابل دفاع، تولید فضا، پایداری اجتماعی و توسعه‌ی پایدار شهری، می‌تواند مبنایی منسجم برای فهم چندلایه‌ی جرم در بستر زندگی جمعی فراهم آورد.

یافته‌های پژوهش دلالت بر آن دارد که مزیت اصلی بازآفرینی اجتماعی در تغییر کانون سیاست جنایی نهفته است؛ بدین معنا که در این رهیافت، امنیت تنها محصول کنترل رسمی، مداخله‌ی انتظامی یا تشدید پاسخ کیفری نیست، و برآمده از کیفیت توزیع امکانات، سامان‌یافتگی فضا، عدالت شهری، سرزندگی محیط، مشارکت ساکنان، انسجام اجتماعی و قابلیت خودتنظیم‌کنندگی محله و شهر است. از این‌رو، مؤلفه‌هایی مانند عدالت اجتماعی و فضایی، آماج-بزه‌دیده‌مداری، پیشگیری چندسطحی، و حکمرانی مشارکتی، اجزای سازنده‌ی یک عقلانیت نوین در پیشگیری از جرم به‌شمار می‌روند؛ عقلانیتی که بر آن است تا با بازسازی هم‌زمان فضا، روابط اجتماعی، فرصت‌های مشروع و کیفیت زیست شهری، نیاز به مداخله‌ی کیفری را از طریق تضعیف زمینه‌های مولد جرم کاهش دهد. در همین راستا، توجه به رویکردهای کالبدی و غیر کالبدی باز آفرینی اجتماعی که متناظر با رویکردهای وضعی و اجتماعی در پیشگیری از جرم است، نشان می‌دهد که بازآفرینی اجتماعی تنها با نوسازی فیزیکی محله‌ها از طریق رویکرد کالبدی که با پیشگیری وضعی از رهگذر طراحی محیطی پیوند دارد، تحقق نمی‌یابد بلکه مستلزم ترمیم هم‌زمان بسترهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نهادی از طریق رویکرد غیر کالبدی در پیوند با پیشگیری اجتماعی جامعه مدار، است؛ زیرا هرگونه مداخله‌ی کالبدی منفک از عدالت، مشارکت، اشتغال، خدمات، تعلق اجتماعی و اعتماد عمومی، در نهایت ممکن است صرفاً به جابه‌جایی مسئله بینجامد، نه حل پایدار آن.

در نهایت، بازآفرینی اجتماعی را باید افقی هنجاری و سیاستی برای بازتعریف پیشگیری از جرم در نظام حقوقی و برنامه‌ریزی شهری دانست. بررسی اسناد و مقررات موجود نشان می‌دهد که منطبق درونی این رهیافت در ایران در بخش مهمی از قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با نوسازی شهری، توانمندسازی محلات، کاهش نابرابری، ارتقای خدمات، تقویت مشارکت و بهبود کیفیت زندگی قابل‌بازشناسی است. بنابراین، پیشگیری مؤثر از جرم، در شرایط کنونی، نیازمند بازآرایی عادلانه‌ی فضا، بازسازی شبکه‌های همبستگی اجتماعی، ارتقای ظرفیت‌های محله‌ای، تقویت اعتماد عمومی و استقرار حکمرانی هماهنگ و مشارکت‌محور است. در چنین افقی، شهر می‌تواند خود به بستر تولید امنیت بدل شود؛ مشروط بر آن‌که سازمان فضایی، ساختار اجتماعی و سیاست‌گذاری عمومی، هم‌زمان در جهت کاهش محرومیت، تقویت تعلق، افزایش نظارت اجتماعی و گسترش فرصت‌های مشروع زندگی بازتنظیم شوند. از این حیث، بازآفرینی اجتماعی را باید گامی در جهت تبلور سیاست جنایی ساختاری، پیشینی و جامعه‌بنیان دانست؛ که اگر به‌درستی صورت‌بندی و اجرا شود، می‌تواند هم در سطح نظری و هم در سطح عملی، افق تازه‌ای برای مهار جرم و بازسازی زیست شهری بگشاید.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان از هر گونه جعل و سرقت علمی، و هر گونه سوء رفتار پژوهشی اجتناب کرده و اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند، و این موضوع را تأیید می‌کنند.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به‌طور برابر در مفهوم‌سازی مقاله و نگارش پیش‌نویس اولیه و نسخه‌های بعدی آن اعم از نسخه بازبینی شده و ویرایش شده مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر هیچ گونه کمک مالی از نهادهای تأمین مالی در بخش دولتی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نموده است.

فهرست منابع

۱. آخوندی، عباس‌احمد، برک‌پور، ناصر، خلیلی، احمد، صداقت‌نیا، سعید، و صفی‌یاری، رامین. (۱۳۹۳). «سنجش کیفیت زندگی شهری در کلانشهر تهران». هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۹(۲)، ۵-۲۲. DOI: 10.22059/jfaup.2014.55385
۲. آریانا، اندیشه، محمدی، محمود، و کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۹۷). «مدل مدیریت تعارض ذی‌نفعان بازآفرینی شهری بر پایه حکمروایی همکارانه». نامه معماری و شهرسازی، ۲۱(۱)، ص ۱۲۳-۱۴۳. DOI: 10.30480/aup.2019.624
۳. ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی پیشگیری (جلد اول). میزان.
۴. ایلی، خدایار، صاحبکار خراسانی، سید محمد، و حسنی، سید حمزه. (۱۴۰۱). «شناسایی و تبیین مولفه‌های مفهوم ناحیه نوآوری با فراترکیب پیشینه». مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۴۳، ۳-۲۷.
۵. انصاری، محمودرضا، و پورجوادی، هادی. (۱۴۰۰). نقش مدیریت شهری در پیشگیری از جرم و افزایش امنیت اجتماعی. جاودانه.
۶. بحرینی، حسین، و تاج‌بخش، گلناز. (۱۳۷۸). «مفهوم قلمرو در طراحی شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن». هنرهای زیبا، ۴(۴)، ۱۸-۳۱.
۷. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (جلد سوم). آرمان‌شهر.

۸. پامیر، سیریل بی. (۱۳۹۸). آفرینش مرکز شهری سرزنده: اصول طراحی شهری و بازآفرینی (ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش). انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۹. تاجیک، زهره، پورموسوی، سید موسی، و سرور، رحیم. (۱۳۹۸). «بازآفرینی اقتصادی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی مطالعه موردی: منطقه ۱۰ شهر تهران». مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۸(۳۷)، ۵۳-۶۵.
۱۰. توسلی، محمود. (۱۴۰۰). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران. اول و آخر.
۱۱. جعفری، فیروز، روستایی، شهریور، و کریمی، احمد. (۱۴۰۳). «تحلیلی بر بنیان‌های نظری بازآفرینی شهری و ارائه‌ی الگوی بهینه». فضای شهری و حیات اجتماعی، ۳(۱۰)، ۹۷-۱۱۸.
۱۲. جیسون، سوزان، و ویلسون، پل. آر. (۱۳۹۰). طراحی محیطی جرم‌سستیز: پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (ترجمه محسن کلاتری و ابوفخر سلامی بیرامی). آذرکلک.
۱۳. حبیب، فرح. (۱۳۸۵). «کندوکاوی در معنای شکل شهر». هنرهای زیبا، ۲۵، ۵-۱۴.
۱۴. حبیب‌زاده، محمدجعفر، شریفی، محسن، و صادقی، یدالله. (۱۳۹۱). «تحلیل اثرگذاری راهبردهای نظریه CPTED بر کاهش وقوع جرایم؛ مورد مطالعه میدان‌های مهم شهر تهران». مطالعات پیشگیری از جرم، ۷(۲۳)، ۱۲۵-۱۵۸.
۱۵. حبیبی، رعنا سادات. (۱۳۸۷). «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان». هنرهای زیبا، ۳۵، ۳۹-۵۰.
۱۶. حبیبی، سید محسن. (۱۴۰۱). از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. خلیلی عراقی، منصوره. (۱۳۶۷). شناخت عوامل مؤثر در گسترش بی‌رویه شهر تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. دی‌اورگسنا، ماریا، و پرگ، ماتجاز. (۱۴۰۰). «فیزیک آماری جرم: یک بررسی اجمالی (ترجمه‌ی سارا سلمان‌نژاد)». در دانشنامه ریاضیات و علوم جنایی: «یادنامه استاد دکتر مریم میرزاخانی» (صص. ۲۵-۴۹). میزان.
۱۹. رجیبی، آریتا. (۱۳۸۵). ریخت‌شناسی بازار. آگاه.
۲۰. رحمت، محمدرضا. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی: راهکارهای نوین پیشگیری از جرم. میزان.
۲۱. راغبیان‌هنزایی، فاطمه، سرایی، محمدحسین، و المدرسی، سید علی. (۱۴۰۲). «سنجش پایداری اجتماعی محلات شهر یزد». آمایش محیط، ۶(۶۰)، ۱۱۵-۱۳۶.
۲۲. سجادی، ژیلا، اردلانی، روناک، ماندگار، رضوان، جمالی، حاجی حسن سفلی، عین‌الله، و رسولی، کمال. (۱۴۰۰). «بازتعریف شاخص‌های مکانی ارتقادهنده پایداری اجتماعی با رویکرد راهبرد بازآفرینی شهری در بافت تاریخی شهر سنندج». برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۴(۹)، صص ۱۴۷-۱۷۹. DOI: 10.22054/urdp.2021.53302.1223

۲۳. سلیمانی مهرانجانی، محمد، زنگانه، احمد، پریزادی، طاهر، و بیگلر، علی. (۱۴۰۰). «ارزیابی نقش طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در بهبود کیفیت محیط شهری (مورد مطالعه: محله بریانک)». جغرافیا و روابط انسانی، ۴(۱)، ۲۲۰-۲۳۹. DOI: 10.22034/gahr.2021.286147.1554
۲۴. سیدزاده ثانی، سید مهدی، و جلالی، محدثه. (۱۳۹۴). «بررسی بسترهای قانونی جرم‌زا در پروژه مسکن مهر باتوجه به اصول طراحی محیطی پیشگیری از جرم». وکیل مدافع، ۱۴، ۲۹-۵۲.
۲۵. شماعی، علی، رضاپور میرصالح، حسن، و موحد، علی. (۱۳۹۷). «تحلیل نقش بازآفرینی بافت قدیم شهر اردکان در توسعه گردشگری شهری». مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۳۴، ۵۹-۷۱.
۲۶. شماعی، علی، و واحدی‌نژاد، سید حسین. (۱۳۹۷). «تحلیل فضایی جرم‌خیزی در بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۲ شهرداری تهران)». انتظام اجتماعی، ۷(۴)، ۱۹۱-۲۱۶.
۲۷. صفاری، علی، و صابری، راضیه. (۱۳۹۳). «ضوابط حقوقی جرم‌شناختی پیشگیری وضعی از جرم». آموزه‌های حقوق کیفری، ۸، ۱۴۵-۱۸۰.
۲۸. صفایی‌پور، مسعود، مرادی مفرد، سمیرا، و امیری فهلیانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). «ارزیابی و اولویت‌بندی شاخص‌های توسعه پایدار شهری با استفاده از مدل تحلیل شبکه ANP، موردشناسی: مناطق شهر زنجان». جغرافیا و آمایش شهری، ۱۹(۶)، ۱۶۰-۱۴۳. DOI: 10.22111/gaij.2016.2499
۲۹. عباچی، مریم. (۱۳۸۳). «پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان». مجله حقوقی دادگستری، ۶۸(۴۷)، ۴۹-۸۶.
۳۰. عباچی، مریم. (۱۳۸۷). «مبانی و مقدمات تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم در ایران». مطالعات پیشگیری از جرم، ۳(۹)، ۷۲-۳۳.
۳۱. عباسی‌نژاد، حسین، رمضان، هادی، و صادقی، مینا. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی». پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۶۴)، ۶۵-۸۶.
۳۲. عباسی‌نژاد، حسین، صادقی، مینا، و رمضان، هادی. (۱۳۹۳). «رابطه بین جرائم اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در ایران». اقتصاد و برنامه‌ریزی، ۱۹(۳)، ۶۹-۹۲.
۳۳. عصاره، عبدالرحمن، و شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۱). «کنش‌های متأثر از محیط و راهبردهای مهار پدیده مجرمانه». فصلنامه‌ی حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ۱۹(۷)، ۱۲۷-۷۷.
۳۴. عنذلیب، محمد، و صادقی شاهدانی، مهدی. (۱۳۹۸). «شناسایی و رتبه‌بندی موانع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای اساسی کشاورزی». تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۴۴، ۲۱۹-۲۴۶.
۳۵. عینی‌فر، علیرضا، و آقالطیفی، آزاده. (۱۳۹۰). «مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی، مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران». هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۳(۳)، ۱۷-۲۸.

۳۶. غفاری، علی، نعمتی‌مهر، مرجان، و عبدی، ثمانه. (۱۳۹۲). «تکامل رویکرد پیشگیری از جرم مبتنی بر طراحی محیطی در محیط مسکونی». مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۴)، ۳-۱۶.
۳۷. غفوریان، میترا، افشین‌مهر، وحید، و نوری‌زاده، زهرا. (۱۳۹۶). «بازشناسی مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی: محله اباذر، تهران)». هویت شهر، ۱۱(۲)، ۳۱-۴۲.
۳۸. فتاحی، احد الله، خراسانی، محمدامین، و پایدار، ابوذر. (۱۳۹۱). کیفیت زندگی و توسعه انسانی. انتخاب.
۳۹. فریدطهرانی، سایه. (۱۳۹۰). ترس در فضای شهری. آرمان‌شهر.
۴۰. فلاحی، محمد صادق. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن». هنرهای زیبا، ۲۶، ۵-۱۴.
۴۱. فنی، زهره. (۱۴۰۰). «بررسی اثرات بازآفرینی در پایداری اجتماعی-فرهنگی محله‌های تاریخی». پژوهش‌های دانش زمین، ۱۱(۱)، ۲۰۲-۲۱۱. DOI: 10.52547/estj.12.1.202
۴۲. فنی، زهره، و محمودی، لقمان. (۱۳۹۷). «تولید فضای شهری در گفتمان سه‌گانه‌ی لفور و پارادیم شهریت مامفورد». رشد آموزش جغرافیا، ۳۲(۳)، ۳۶-۴۲.
۴۳. قرخلو، مهدی، و حسینی، سیدهادی. (۱۳۸۵). «شاخص‌های توسعه‌ی پایدار شهری». جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، ۱۵(۱)، ۱۷۷-۱۵۹. DOI: 10.22067/geography.v5i8.4231
۴۴. قورچی بیگی، مجید. (۱۳۸۶). «راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی». حقوق اسلامی، ۱۵، ۱۴۷-۱۷۲.
۴۵. قورچی بیگی، مجید، و محمدی جانکی، محمد. (۱۳۸۸). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم». مطالعات حقوق خصوصی، ۳۹(۲)، ۳۶۷-۳۴۵.
۴۶. کتاب الهی، کسری، علیمردانی، مسعود، و قنبران، عبدالحمید. (۱۳۹۸). «نگرش فرایند‌محور در تبیین مؤلفه‌های توسعه کالبدی فضاهای شهری با روش (QSPM)، مطالعه موردی: میدان آزادی شهر سنندج». برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، ۶(۳)، ۷۲-۴۹. DOI: 10.30473/psp.2019.6389
۴۷. کربلایی نوری، رضا، و ریاحی دهکردی، فرانیه. (۱۳۸۵). مجموعه مقالات تجارب ایجاد شهرهای جدید در ایران و جهان. شرکت عمران شهرهای جدید.
۴۸. کریم‌زاده، علی، شهریاری، سید کمال‌الدین، و اردشیری، مهیار. (۱۳۹۶). «تبیین سیاست‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بازآفرینی شهری فرهنگ‌محور (با تأکید بر تجارب بازآفرینی شهری استانبول ترکیه)». هویت شهر، ۱۱(۱)، ۹۵-۱۰۶.
۴۹. کریمی، فریده، عبدالله‌زاده فرد، علیرضا، و شکور، علی. (۱۳۹۷). «نقش راهبرد توسعه شهری (CDS) در توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: منطقه ۳ شهرداری شیراز». پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۹(۱)، ۹۱-۱۰۴.

۵۰. کریمی آذر، مریم، و شاهزیدی، مه‌ری. (۱۴۰۱). «تأثیر عوامل کالبدی و غیر کالبدی بر هویت محله‌ای (نمونه مورد مطالعه: محله ستار، منطقه ۱۵ شهر اصفهان)». پژوهش‌های مکانی فضایی، ۲۵، ۱۰۹-۱۲۹.
۵۱. کوکبی، افشین، پورجعفر، محمدرضا، و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۸۴). «برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری تعاریف و شاخص‌ها». جستارهای شهرسازی، ۱۲، ۶-۱۳.
۵۲. کلکوهون، ایان. (۱۳۸۷). طراحی عاری از جرم: ایجاد منطقه‌های امن و پایدار (ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا عامری سیاهوئی). میزان.
۵۳. گسن، ریموند. (۱۳۷۶). «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری» (ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی). تحقیقات حقوقی، ۱۹، ۶۰۵-۶۲۸.
۵۴. گل، یان. (۱۳۹۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها (ترجمه شیما شصتی). سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵۵. لطفی، صدیقه، بردی آنامرادنژاد، رحیم، و ساسانی‌پور، محمد. (۱۳۹۳). «بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی کلانشهر شیراز)». پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴۵(۴)، ۳۹-۵۶.
۵۶. لنگ، جان تی. (۱۴۰۲). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضا عینی‌فر). انتشارات دانشگاه تهران.
۵۷. لینچ، کوین. (۱۴۰۰). سیمای شهر (ترجمه منوچهر مزینی). انتشارات دانشگاه تهران.
۵۸. محمدی، محمود، ناسخیان، شهریار، و ایزدی، آرزو. (۱۳۹۷). «ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی با تأکید بر نظم در نظریه کارکردگرایی ساختاری». مرمت و معماری ایران، ۸(۱۶)، ۲۱-۳۸.
۵۹. محمودی‌نژاد، هادی، آجوک، سوزان، تقوایی، علی اکبر، و انصاری، مجتبی. (۱۳۸۶). «جلوگیری از جرایم شهری از طریق طراحی محیطی: بازخوانی حفاظت محیطی در شهرسازی و معماری سنتی». معماری ایران، ۸(۲۹)، ۹۰-۹۸.
۶۰. مقیمی، مهدی، و رفعتی اصل، سید عزیز (۱۳۸۹). «پلیس و راهبردهای وضعی پیشگیری از جرم». انتظام اجتماعی، ۱(۱۲)، ۷۷-۸۸.
۶۱. ناهیدی آذر، آیناز، میرغلامی، مرتضی، و نژادابراهیمی، احد. (۱۴۰۲). «بازآفرینی پایدار و خلاق شهری با تأکید بر فعالیت‌های اقتصادی سازگار». مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۴(۳)، ۷۶-۱۰۱.
۶۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۴۰۳). «پیشگیری عادلانه از جرم. در علوم جنایی: مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری»، (صص. ۵۵۹-۵۹۸). سمت.
۶۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). مباحثی در علوم جنایی. تهیه و تنظیم: شهرام ابراهیمی.
۶۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۹). «حقوق شهرسازی (دیباچه)». در: کامیار، غلامرضا، حقوق شهرسازی (صص. ۱۱-۱۲). مجد.

۶۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). «پیشگیری وضعی از جرم: مدیریت جرم شناختی خطر جرم و تکرار جرم (دیپاچه)». در: رونالد کلارک، وی کلارک، جرم‌شناسی پیشگیری. مترجمان، مهدی مقیمی، مهدیه تقی زاده (صص). ۱۲-۱۱. سازمان زرد.
۶۶. نسترن، مهین، قاسمی، وحید، و هادی‌زاده زرگر، صادق. (۱۳۹۲). «ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه (ANP)». جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴(۳)، ۱۵۵-۱۷۳.
۶۷. نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۳). «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران». پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶)، ۹۱-۱۱۱.
۶۸. نیازپور، امیرحسین. (۱۴۰۴). پیشگیری از جرم. دادگستر.
۶۹. وایت، ویلیام هالینگزورث. (۱۳۹۲). زندگی اجتماعی در فضاهاى شهری کوچک (ترجمه میترا حبیبی و محمدهادی غیائی). دانشگاه هنر.
۷۰. ویلسون، جیمز کی. و کلینگ، جورج ال. (۱۳۸۲). «پنجره‌های شکسته: پلیس و امنیت محلی (ترجمه‌ی محمد صادری توحیدخانه)». مجله حقوقی دادگستری، ۶۷(۴۳)، ۱۷۹-۲۰۴.
۷۱. هال، ادوارد توییچل. (۱۳۹۲). بعد پنهان (ترجمه منوچهر طیبیان). انتشارات دانشگاه تهران.
72. Crawford, A., & Evans, K. (2017). Crime prevention and community safety. In A. Liebling, S. Maruna, & L. McAra (Eds.), *The Oxford Handbook of Criminology* (6th ed.). Oxford University Press.
73. Jeffery, C. R. (1971). Crime prevention through environmental design. *American Behavioral Scientist*, 14(4), 598-598. DOI: 10.1177/000276427101400409
74. Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space* (Trans. D. Nicholson-Smith). Blackwell.
75. Newman, O. (1972). *Defensible Space*. Macmillan.
76. Newman, O. (1996). *Creating Defensible Space*. U.S. Department of Housing and Urban Development Office of Policy Development and Research.
77. Shaw, M. (2010). *Handbook on the Crime Prevention Guidelines: Making Them Work*. United Nations Publication.
78. Welsh, B. C., & Farrington, D. P. (Eds.). (2012). *The Oxford Handbook of Crime Prevention*. Oxford University Press.